

پرونده ویژه (مدیریت بدن)

علی کیا دریندسری

نسرین خانی اوشانی

اشاره: سبک زندگی انسان در دنیای مدرن، تنها به بروز بیماری های جدید در حوزه علوم پزشکی منجر نشده است؛ بلکه بسیاری از مسائل و مشکلاتی که در نتیجه سبک زندگی انسان مدرن رخ داده، در حوزه تعاملات اجتماعی و مناسبات جمعی وی بوده است؛ از جمله این مسائل، مفهوم نو ظهور مدیریت بدن است که در دهه های اخیر، تمام شئون زندگی اجتماعی انسان را تحت سیطره خود در آورد. مدیریت بدن به معنای آن است که انسان در انتخاب پوشاک و لباس، آرایش صورت و دستکاری در بدن و اندام خود، اختیار کامل دارد و هیچ مرجع بیرونی دیگری (اعم از دین، سنت، خانواده و علم حق ندارد با برشمردن آسیب های اخلاقی، اجتماعی، بهداشتی، و اقتصادی، آزادی وی را در این امور سلب یا محدود کند. پایش این شماره در نظر دارد تا در پرونده ویژه خود با پرداختن به معضل مدیریت بدن، علاوه بر ارائه تبیینی از صورت مسأله، تبعات و برآمدهای منفی اجتماعی آن را باز شناسد و ظرفیت هایی برای کمک به حل آن را نیز پیشنهاد کند.

نگاهی گذرا به وضعیت آرایش، پوشش و دستکاری های بدنی در ایران

نگاهی به سلسله مراتب ارزش های اجتماعی در تاریخ جوامع مختلف نشان می دهد، که زیبایی اندام و ظاهر هر فرد، همواره یکی از ارزش های مهم اجتماعی، با مصادیق و جلوه های بسیار متنوع بوده؛ به گونه ای که محرومیت از آن موجب محرومیت از برخی فرصت های اجتماعی شده و کاهش نفوذ فرد در جامعه را در پی داشته است. این امر، به خصوص در دنیای امروز که مناسبات اجتماعی و فرهنگی آن بر جهان بینی کمیت گرا و بیگانه با امر غیبی و قدسی مبتنا دارد، صورت تازه ای به خود می گیرد؛ تا جایی که می توان گفت اهمیت بدن و ظاهر، در هیچ دوره ای تا بدین پایه مورد تأکید قرار نگرفته است.

واقعیت آن است که آراستگی اندام و ظاهر در دنیای امروز، تنها به کارکرد زیبایی شناسانه آن محدود نمی شود و در ارائه شخصیت روانی فرد و هویت اجتماعی او نیز نقشی محوری ایفا می کند. بدن در جریان فردی شدن دنیای مدرن، اختصاصی تر شده و هر کس سعی در مدیریت ظاهر و بدن خویش دارد تا مفهوم جدیدی از هویت فردی خود را ارائه دهد و تصویری دلخواه از خویش را به نمایش بگذارد؛ به عبارت دیگر، فرد در فرآیند دخل و تصرف در بدن و ظاهر خویش، که اصطلاحاً از آن با عنوان مدیریت بدن یا مدیریت ظاهر یاد می شود، می کوشد تا شخصیت خود را بازسازی کند و پدیدار بیرونی خویش را در اندام و چهره و حتی نوع آرایش و پوشش، به صورت پذیرفته شده اجتماعی آن نزدیک کند. این امر، زمانی به صورت معضلی روانی، اجتماعی و حتی دینی رخ می نماید که نتیجه مطالعات آسیب شناسانه در این حوزه، ابعاد تخریبی آن را روشن می سازد.

مطابق آمار جهانی و داخلی، توجه افراطی به مدیریت ظاهر به صورت های مختلف آن، اعم از اقدام به عمل های جراحی زیبایی، رواج لاغر اندامی، مصرف گرایی ناشی از به کارگیری لوازم آرایشی و بهداشتی و داشتن پوشش مطابق با جریان های روز - که در بدترین شکل آن به برهنگی ختم می شود - به طور روزافزون در بین زنان و دختران و حتی مردان جوان رو به افزایش است.

طبق آمار سال ۲۰۰۷ که مطمئناً تاکنون افزایش چشم گیری نیز داشته، زنان و دختران ایرانی سالانه حدود ۱۶۳۰ میلیون یورو برای کالاهای آرایشی هزینه می کنند. آمارها در همین زمینه نشان می دهد که ایران از نظر مصرف لوازم آرایشی، دارای رتبه هفتم در دنیا و رتبه دوم بعد از عربستان در خاورمیانه است. همچنین در روزنامه ایندیندنت، گزارشی درج شده است که در آن، سن مصرف لوازم آرایش در کشور ایران را پایین تر از مقدار معمول جهانی عنوان کرده اند. در این باره، معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی استان زنجان نیز در سال ۹۱ هشدار داد که سن آرایش در پنج سال اخیر از ۱۹ سال به ۱۲ سال کاهش یافته است.

درباره پوشاک نیز با وجود ممانعت های قضایی و حقوقی در ایران، روند رو به رشد گرایش به لباس های منافی عفت، سرعت بیشتری یافته است. مطالعات نشان می دهد پوشش فمینیستی، پوشش مد محور و پوشش بازاندیشانه، انواع پوشش هایی هستند که در سال های اخیر در جامعه ایران رواج یافته است و با پوشش سنتی و دینی مبتنی بر اصول اسلامی در بین زنان ایرانی، تفاوت های بارزی دارند. الگوهای پوششی بیگانه با فرهنگ اسلامی تا حدی از افراط پیش رفته که در حال حاضر لباس های تنگ و چسبان، کوتاه و پارچه های نازک، از بالاترین مقبولیت در میان بسیاری از جوانان ایرانی برخوردارند و دختران و پسران خانواده های مذهبی هم از خطر گرایش به این نوع از فرم های پوششی در امان نیستند. آسیب های این مسأله، وقتی نگران کننده می شود که مدیر کل دفتر بانوان و خانواده، درصد طلاق های مرتبط با عدم رعایت عفاف و حجاب در خانواده ها را

در مقایسه با کل طلاق‌ها، برابر ۴۹ درصد بر می‌شمرد. همچنین گرایش به انجام انواع جراحی‌های زیبایی و دستکاری‌های بدنی نیز در سال‌های اخیر، سیری صعودی داشته است. آمار رسمی دقیقی در این باره وجود ندارد؛ با این حال رئیس انجمن جراحان پلاستیک ایران در سال ۹۲ از آمار سالانه حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار جراحی زیبایی در کشور خبر داد که در بسیاری موارد ضرورتی برای انجام آنها وجود ندارد. قابل توجه است که از همین تعداد نیز بر اساس آمار سال ۸۵ (آخرین آمار رسمی موجود که قطعا تاکنون افزایش چشم‌گیری داشته است) روزانه یک تا دو نفر زیر تیغ جراحی‌های زیبایی فوت می‌کنند؛ در حالی که بخش بزرگی از جراحی‌های زیبایی در ایران به عمل جراحی بینی اختصاص یافته است. گرایش رو به افزایش افراد به داشتن اندام‌های باری‌گونه و رواج لاغر اندامی، که از آن به مانکنیسم یاد می‌شود، ترخ جراحی‌های مربوطه به حذف چربی‌های بدن و رفع چاقی‌های موضعی مانند جراحی «لایپو ساکشن» را نیز افزایش داده است؛ به گونه‌ای که در کشور ما، «لایپو ساکشن» دومین جراحی زیبایی بعد از عمل زیبایی بینی است. این در حالی است که بر اساس اعلام پزشکی قانونی، «لایپو ساکشن» و کاهش حجم معده با جراحی، بیشترین عامل مرگ و میر در جراحی‌های زیبایی به حساب می‌آید.

بدیهی است که با توجه به واقعیات موجود در این زمینه می‌توان گفت: توجه بیش از اندازه و ناسازگار با الگوهای ملی و مذهبی به مقوله مدیریت بدن، در ایران امروز به معضلی دینی و فرهنگی بدل شده است که آسیب‌های اجتماعی متعددی نظیر بالا رفتن نرخ طلاق‌های رسمی و خاموش، افزایش روابط فزا زناشویی، افزایش فرزندان نامشروع، شیوع مشکلات بهداشتی اعم از بیماری‌های مقاربتی و سقط جنین، تقویت بی‌هویتی، از خود باختگی و غرزدگی در ذهنیت نسل امروز و بسیاری امور دیگر را به دنبال دارد.

۱. مرادعلی، محمدادل (۱۳۹۱)، استفاده دانشجویان دختر از لوازم آرایشی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن، زن در توسعه و سلامت (پژوهش زنان)، ش ۲۷، ص ۱۰۶-۸۷.
۲. احمدی، نفیسه و مهدی فرجی (۱۳۸۷)، سبک زندگی و پوشش زنان در تهران، تحقیقات فرهنگی ایران، ش ۱، ص ۶۵-۹۲.
۳. سایت تبیان.
۴. سایت جهان نیوز.
۵. سایت تاناک.
۶. سایت اقتصاد آنلاین.
۷. سایت سینا نیوز.

دگرگونی در سلیقه پوششی مردم ایران از سال ۱۳۶۸ به بعد

پس از انقلاب اسلامی، سیاست‌های اجرایی متعددی در مقابله با پوشش و آرایش نامتناسب با فرهنگ اسلامی در ایران صورت گرفت. این سیاست‌ها که در چند سال آغاز، موفقیت‌آمیز به نظر می‌آمد، پس از گذشت بیش از یک دهه از انقلاب اسلامی تأثیر خود را از دست داد؛ به گونه‌ای که می‌توان از دهه دوم انقلاب به بعد تغییر در سلیقه عمومی مردم در حوزه پوشش و آرایش را شاهد بود؛ برای مثال درحالی که چادر، به‌ویژه با جنس نخی و طرح گل‌دار، در دوره پهلوی، نماد طبقه پایین شهری بود و کمتر از سوی زنان طبقات مختلف شهری استفاده می‌شد، پس از انقلاب و با غلبه گفتمان دینی، چادر مشکی به پوشش غالب زنان ایرانی تبدیل شد.

اتفاق مهم در روزهای انقلاب، تبدیل شدن روسری به نماد انقلاب و اعتراض زنان علیه حکومت پهلوی بود. این در حالی است که فقط چند سال پس از انقلاب، استفاده از همین روسری، نشان طبقه تحصیل‌کرده و بیانگر مقاومت زنان در برابر حجاب انقلابی بود. علاوه بر حجاب، جنس، رنگ، اجزا و ترکیب پوششی افراد در تمامی این دوران، دلالت بر مدلول‌های متفاوتی داشته است؛ برای مثال کراوات که تا پیش از انقلاب، نماد طبقه متوسط شهری تلقی می‌شد و در سال‌های اولیه پس از انقلاب، نماد وابستگی به حزب اپوزیسیون بود و منفور به حساب می‌آمد، امروزه به جزء جدایی‌ناپذیر پوشش فروشنده‌گان بوتیک‌های مرکز و بالای شهر تهران تبدیل شده است. همچنین پیراهن‌های یقه بسته با آستین‌های بلند که روی شلوار قرار می‌گرفت و در بیشتر سال‌های جنگ نشان دیانت و عرف پذیرفته شده اجتماعی در میان اکثریت مردان جامعه بود، امروزه بیشتر، نماد وابستگی‌های حزبی به شمار می‌رود و محبوبیت ندارد.

به نظر می‌رسد نسل بعد از انقلاب، نسلی بود که در شرایطی متفاوت رشد می‌یافت و شاهد تجربه‌های جدیدی بود. حوزه هنجاری این نسل، دیگر به مؤلفه‌های محلی و ملی، محدود نبود؛ بلکه با توسعه روز افزون فناوری‌های ارتباطی نوین و شرایط جهانی، افق گسترده‌تری پیش روی آنها قرار گرفته بود و این نسل بیش از هر چیز با نوع پوشش خود، فردیت خویش را به نمایش می‌گذاشت و حضور خود را به اثبات می‌رساند. در تبیین دگرگونی سلیقه عمومی از لباس‌هایی پوشیده و مذهبی و روی آوردن به لباس‌هایی با مدل‌های غربی جدید، تحلیل‌هایی نیز صورت گرفته است. بهترین تحلیل موجود از این امر، متعلق به دکتر فرامرز رفیع‌پور است که در کتاب توسعه و تضاد صورت گرفته است.

فرامرز رفیع‌پور در تحقیقی در سال ۱۳۷۱ آورده است: تغییر سبک‌های پوششی مردم، تابعی از تغییر نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که به‌ویژه از سال ۱۳۶۸ به بعد در جامعه ایرانی رخ داده است. از نظر وی با پایان یافتن دوران جنگ تحمیلی و آغاز دوران سازندگی، کمبود مواد غذایی و حامل‌های انرژی، که در زمان جنگ به مردم تحمیل شده بود، به اتمام رسید و سیاست‌های ریاضتی، جای خود را به رویکردهای توسعه محور داد. در این شرایط، سرمایه‌داران برای مشارکت فعال در زمینه‌های اقتصادی دعوت شدند و برخورداری از سرمایه اقتصادی بالا در عمل ارزش بالایی یافت. علاوه بر این، بالا رفتن نرخ دلار و افزایش تورم، نقش حیاتی پول را هر چه بیشتر برجسته می‌ساخت و فاصله‌گیری از شعارها و آرمان‌های دینی اول انقلاب و نزدیکی به ارزش‌های نوظهوری نظیر ثروت را سرعت می‌بخشید.

امام خمینی(ره) در ابتدای انقلاب، ثروت و نابرابری را با نام مطاغوت به ارزش منفی تبدیل کرده بودند و در بیانات خود، کوخ نشینان را بر کاخ‌نشینان ارجح می‌دانستند. این امر سبب شده بود که در آن سال‌ها دارندگی، برازندگی نباشد و فقر، یک ارزش باشد. با این حال با تغییر سیاست بعد از سال ۱۳۶۸ و روند به اصطلاح توسعه اقتصادی، سرمایه، از اهمیت زیادی

برخوردار شد و ملاک ارزیابی‌ها شد در این شرایط، صاحبان سرمایه، یعنی ثروتمندانی که تا آن موقع تا حدود زیادی مورد بی‌اعتنایی بودند و نمی‌توانستند با پول خود، همه چیز و همه کس را بخرند، ناگهان با ارزش شدن و فرصت خودنمایی یافتند.

از سوی دیگر ورود کالاهای مصرفی متنوع و تبلیغات بسیار درباره آنها نیاز شدید به مصرف را در مردم افزایش داد و این امر بر اهمیت یافتن سرمایه و ثروت در زندگی مصرف‌گرای عموم افراد جامعه تأثیر بسزایی گذاشت. بدین ترتیب در سال‌های اخیر از یک طرف به ثروتمندان، فرصت نمایش ثروت داده شد و از طرف دیگر با واردات و تبلیغات کالاهای مصرفی، نیاز شدیدی در مردم برای مصرف به وجود آمد و از این طریق کالاهای مادی برای آنها با ارزش شد. این در حالی بود که هم زمان با گسترش تورم، قدرت خرید آنها نیز کاهش یافت؛ یعنی از یک طرف در مردم، نیاز شدیدی برای مصرف ایجاد شد و از طرف دیگر، ارضای این نیاز برای افراد بسیاری ممکن نبود. به گفته رفیع‌پور، این یک خودکشی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای یک نظام است. در هیچ کشور پیشرفته‌ای سیاستمداران، این‌گونه عمل نمی‌کنند. آنها همواره به‌اندازه قدرت خرید مردم تبلیغ می‌کنند و اجازه ورود کالا به کشورشان را می‌دهند.

بدین ترتیب ارزش در تلقی مردم، رفته رفته از ارزش‌های معنوی به سوی ارزش‌های مادی سوق داده شد. نتایج تحقیق آماری و میدانی فرامرز رفیع‌پور نیز تحلیل وی را تأیید می‌کند. نزدیک به ۷۰ درصد از پاسخ‌گویان در تحقیق وی معتقد بودند که در سال ۶۵ مردم به کسانی که ماشین‌های گران داشتند و با ظاهری شیک بیرون می‌رفتند، خیلی کم احترام می‌گذاشتند؛ اما در سال ۷۱ این ارزش تغییر کرده بود و ۶۲ درصد پاسخ‌گویان برای این‌گونه افراد، احترام زیادی قائل بودند.

این تغییر در نگرش افراد جامعه و رویگردانی از ارزش‌های معنوی به سوی ارزش‌های مادی، در تلقی آنها از نظام‌های پوششی و آرایشی نیز تأثیرگذار بود. طبیعی است که با کاهش اهمیت ارزش‌های مذهبی، دارندگان نمادهای مذهبی (نظیر چادر، ریش، لباس روحانیت و...) نیز اهمیت بالایی خود را کم‌رنگ شده می‌یابند. یافته‌های پژوهش رفیع‌پور نشان می‌دهد که ۸۶ درصد پاسخ‌گویان معتقد بودند در سال ۶۵ رعایت نکردن حجاب از نظر مردم عیب داشت؛ یعنی خانم‌ها به علت اینکه احساس می‌کردند مردم از بی‌حجابی خوششان نمی‌آید و احتمال دارد نوعی مجازات اجتماعی و توهین به آنها صورت گیرد، بیشتر، حجاب خود را رعایت می‌کردند. این در حالی است که این رقم برای سال ۷۱ به ۴۱ درصد می‌رسد. همچنین ۸۱ درصد از پاسخ‌گویان معتقد بودند که مردم در سال ۶۵ به خانم‌های چادری احترام می‌گذاشتند؛ در حالی که این رقم برای سال ۷۱ به ۲۶ درصد می‌رسید.

منابع

۱. رفیع پور، فرامرز (۱۳۹۲)، توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ نهم.
۲. ذکایی، محمدسعید و مریم امن‌پور (۱۳۹۳)، درآمدی بر تاریخ فرهنگی بدن در ایران، تهران، نشر تیس، چاپ اول.
۳. ذکایی، محمدسعید (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی جوانان ایران، تهران، انتشارات آگه، چاپ چهارم.



تیب‌شناسی سبک‌های مختلف پوششی و آرایشی زنان ایران

تاکنون مطالعات اندکی درباره گونه‌شناسی سبک‌های مختلف پوششی و آرایشی زنان ایران در محیط‌های اجتماعی پرداخته اند. پرسش اصلی در این مطالعات، آن است که در جامعه ما چه سبک پوشش‌هایی وجود دارد و منطق پوشش زنان چیست؟ برای رسیدن به این هدف معمولاً روش مصاحبه اتخاذ شده و تلاش شده تا نوع پوشش و وضعیت اجتماعی زنان بر مبنای اظهارات خودشان دسته‌بندی شود. در این بخش با ارجاع به این مطالعات اندک سعی شده تا تلقی‌های مختلف زنان در سبک‌های پوششی و آرایشی، از هم تفکیک و بازشناخته شود و در نهایت در چند دسته کلی خلاصه شود. بر این اساس ۹ تیب اجتماعی از یکدیگر متمایز شده‌اند که در ادامه به ذکر آنها خواهیم پرداخت.

۱. حجاب به‌مثابه تکلیف

بخش مهمی از زنانی که در این گروه قرار دارند، به لحاظ اقتصادی، جزو خانواده‌های بازاری سنتی‌اند؛ یعنی خانواده‌هایی با سرمایه‌های اقتصادی بالا و سرمایه فرهنگی پایین. اغلب این زنان، خانه‌دار هستند و تحصیلات چندانی ندارند. هرچند در میان این گروه، زنانی با سرمایه اقتصادی متوسط و سرمایه فرهنگی بالا (زنانی با تحصیلات بالا) نیز وجود دارند. پوشش زنان این گروه بر مبنای کارکردهای اولیه پوشش است که مهم‌ترین آنها رعایت عفت و حریم شرعی است. در حقیقت، منطق اصلی پوشش آنها دینی است و دستورهای دینی، نوع پوشش آنان را در حوزه‌های مختلف اجتماعی تعیین می‌کند. مهم‌ترین و نمایان‌ترین بخش پوشش زنان این دسته را، پوشش آنان در حوزه‌های عمومی (اعم از رسمی و غیررسمی)

تشکیل می‌دهد. اصل کلی برای زنان این دسته، آن است که هیچ بخشی از بدن و صورت آنان برای مردان قابل رؤیت نباشد. بنابراین لباس غالب این گروه در حوزه‌های عمومی، عبارت است از: چادر برای پوشاندن بیشتر اعضای بدن، پوشیه یا روبنده برای پنهان کردن صورت، دستکش برای پوشاندن دست‌ها و جوراب کلفت برای پوشاندن پاها. در مواردی که این زنان در لباس خود پوشیه یا دستکش نداشته باشند، دست‌های خود را از چادر بیرون نمی‌آورند (با چادر، دست‌ها را می‌پوشانند) و همین کار را برای صورت هم انجام می‌دهند؛ (یعنی چادر را روی صورت خود می‌کشند یا به اصطلاح رو می‌گیرند). پوشش این زنان در حوزه‌های عمومی رسمی و غیررسمی تفاوتی ندارد.



۲. حجاب به‌مثابه عقیده

در سبک زندگی اقتصادی زنان این گروه، اشتراک کمتری دیده می‌شود. زنان این گروه در طبقات و اقسام اجتماعی مختلف مشاهده می‌شوند. آنچه سبک زندگی مشابهی به این افراد می‌دهد، عقیده است؛ یعنی عقاید سیاسی این افراد، سبک زندگی مشخصی را در برخی امور ایجاد کرده است؛ از جمله، پوشش ایشان کارکرد نمادین و هویتی دارد؛ یعنی منطق هویتی، به‌ویژه هویت دینی و عقیدتی، طرز پوشش آنان را شکل می‌دهد. این عده، هم به لحاظ اعتقادی و هم به لحاظ عملی، معتقدند که نوع پوشش و مشخصاً حجاب، بیانگر هویت افراد است. شکل ظاهری پوشش آنان، پوشش چادر به همراه مقنعه (یا روسری و در موارد محدود و ناچیزی شال) است. گونه‌ای از مقنعه که بیشتر مورد استفاده این زنان است، همان مقنعه‌ای است که اصطلاحاً مقنعه چانه‌دار خوانده می‌شود و از درجه پوشش بیشتر



و سطح اعتقادی بالاتری برخوردار است. زنان این گروه، در صورتی که از روسری یا شال استفاده کنند، آن را با سنجاق ته گرد یا کلیس، محکم و همان حد فقهی پوشاندن همه صورت به جز گردی آن را، رعایت می‌کنند. معمولاً زنان این دسته نیز در حوزه عمومی رسمی و حوزه عمومی غیررسمی از پوشش مشابهی استفاده می‌کنند و نوع حجاب آنان در این دو حوزه تفاوتی ندارد. افزون بر استفاده از چادر و مقنعه یا روسری، معمولاً در میان این زنان، پوشیدن مانتوهای بلند و گشاد و شلوار کاملاً پوشیده زیر مانتو، استفاده از آستین‌های بلند و چسبانی که دست را دقیقاً تا مچ و گاهی مقداری بیشتر می‌پوشاند و نیز استفاده از جوراب‌های کلفت و سیاه عمومیت دارد. گاهی نیز برای رعایت بیشتر حجاب اسلامی، به این مجموعه، دستکش هم اضافه می‌شود. همچنین این زنان برای رعایت حداکثری حجاب، غالباً رو می‌گیرند؛ یعنی با استفاده از چادر، قسمت‌هایی از صورت خود را هم می‌پوشانند.

۴. حجاب سنتی

تحقیقاتی که در سال ۸۴ صورت پذیرفته نشان می‌دهد که حدود نیمی از زنان تهرانی از پوشش چادر استفاده می‌کنند (این مقدار به احتمال بسیار در شرایط امروز تغییر یافته است). اغلب زنان چادری از جمله کسانی هستند که ما در اینجا یا اندکی مسامحه، آنان را چادری‌های سنتی می‌نامیم. ویژگی بارز این دسته از زنان چادری آن است که مانند زنان دو دسته قبل درباره استفاده از چادر و اشکال خاص آن نیندیشیده‌اند؛ بلکه این پوشش را به‌منزله پوشش سنتی که بدان عادت دارند به کار می‌برند.

اغلب این دسته را زنانی تشکیل می‌دهند که در سنین بالا قرار دارند، خانه دارند، تحصیلاتی اندک دارند و در مقایسه با دو دسته قبل، که وجه مشخصه آنان عقیدتی بودن نگاه و اندیشه آنان درباره مسأله حجاب بود این زنان را می‌توان دارای کمترین اعتقاد در این زمینه دانست. همچنین لباس‌هایی که این زنان در زیر چادر از آن استفاده می‌کنند، شاهی بر سنتی

انان است. آنها معمولاً زیر چادر از مانتو استفاده نمی‌کنند و همان لباس‌های معمولی و سنتی خود، مثل بلوز و دامن و یا پیراهن بلند و جوراب را برتن دارند. کمتر پیش می‌آید که از مقنعه استفاده کنند و بیشتر به روسری‌های رنگارنگ طرح و نقش‌داری گرایش دارند که زیر گلو گره زده می‌شود و گاهی هم این روسری صرفاً دور گردن آنها است.

برای این زنان، کمتر پیش می‌آید که وارد حوزه‌های عمومی رسمی شوند و در صورت پیش آمدن چنین احتمالی (مثلاً هنگام مراجعه به مدرسه فرزندان یا انجام دادن کار اداری در یک اداره) کمتر تفاوت حوزه‌های رسمی و غیررسمی را درک می‌کنند و معمولاً با همان لباس‌هایی که شرح آن گذشت، در مکان‌های رسمی حاضر می‌شوند. سنتی بودن نوع پوشش زنان این دسته در خانه و مهمانی‌ها هم آشکار است. لباس مهمانی این زنان معمولاً بلوز و دامن یا پیراهن است و تقریباً در این نکته مشترک است که لباس، حتماً شکلی زنانه و دامن‌دار داشته باشد. به ندرت اتفاق می‌افتد که این زنان به پوشیدن ترکیب‌هایی مانند بلوز و شلوار یا کت و شلوار تمایل داشته باشند؛ این امر نه به دلیل رعایت حدود و موازین شرعی، بلکه بیشتر به این علت است که از نظر آنان، شلوار در عرف و سنت ما، لباسی مردانه

است و تناسبی با زنانگی یک زن ندارد.

۴. حجاب زیبایی‌شناختی

این گروه را اکثراً دختران و زنان نوجوان و جوان تشکیل می‌دهند. اینان بیشتر دانش‌آموز یا محصل و در سنین بالاتر غالباً شاغل‌اند. از اقبال متوسط جامعه‌اند و در مجموع سبک زندگی آنان، حکایت از تعلق به گروه‌هایی با سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی متوسط دارد. منطق پوشش آنان تمایز است؛ تمایز با انواع پوشش‌های مذهبی و غیرمذهبی؛ یعنی می‌خواهند با به کار گرفتن قواعد زیبایی‌شناختی، خود را از سایر گروه‌های مذهبی و گروه‌های غیرمذهبی که توجه چندانی به این معیار ندارند، متمایز کنند. تفاوت عمده‌ای که طرز پوشش این گروه را از سه دسته قبلی متمایز می‌کند، نگاه متفاوت آنان به حجاب و نیز نگاه متفاوتی است که سایر زنان به حجاب آنان دارند.

معمولاً زنان این دسته را کسانی تشکیل می‌دهند که اعتقاد آنان به حجاب به‌اندازه دو گروه اول، جدی نیست و به دلایل مختلفی مانند پرهیز از سنت‌شکنی (در صورتی که همه خانواده آنان چادری باشند)، هراس از تغییر دادن ظاهر خود و برداشتن چادر و مواجهه‌نشدن با اجبارهای اجتماعی و خانوادگی، به استفاده از چادر مبادرت می‌کنند. جدا از هر دلیلی که سبب استفاده این زنان از این شکل از چادر شده باشد، این نکته درباره آنان مشترک است که می‌کوشند تا عناصر زیبایی‌شناختی را در نوع پوشش خود دخالت دهند؛ مثلاً به جای استفاده از چادرهای معمولی، از انواع دیگری از چادرهای عربی و ایرانی با تزیینات تور و گیپور استفاده می‌کنند. کمتر بیش می‌آید که مقنعه به سر کنند، مگر در محافل رسمی که ناگزیر از استفاده از مقنعه باشند. اینان بیشتر، از شال در رنگ‌های متنوع و شاد استفاده می‌کنند تا روسری. گرایش آنان به مد زیاد است و معمولاً زیر چادر از لباس‌های تنگ و کوتاهی که دارای جاذبه بیشتر باشد، استفاده می‌کنند. همچنین این دسته از چادری‌ها معمولاً در حوزه عمومی آرایش می‌کنند و اغلب نیز موهای آنان از زیر روسری یا شال بیرون است.

۵. حجاب بازان‌پیشانه

این گروه اکثراً از سرمایه فرهنگی نسبتاً بالایی برخوردارند و تحصیلات دانشگاهی دارند. در سنین جوانی و در مواردی، در میان‌سالی قرار دارند و در خانواده‌هایی با خاستگاه مذهبی متولد شده‌اند. افراد این دسته معمولاً در حوزه عمومی از مانتو استفاده و موازین حجاب اسلامی را به سبکی غیرفقهی رعایت می‌کنند. این گروه در بسیاری از ابعاد دینداری خود، از جمله حجاب، بازان‌پیشی کرده‌اند. برای فهم ذهنیت زنان این گروه باید به این نکته اشاره کنیم که آنان خود را معتقد به اسلام و احکام آن می‌دانند و برای خود قائل به هویتی مذهبی‌اند و در عین حال دست به بازان‌پیشی‌هایی درون‌دینی درباره متن دین زده‌اند؛ مثلاً ممکن است حکم فقهی پوشاندن همه بدن زن، جز وجه و کفین، از نظر آنان درست نباشد و حد کمتری برای حجاب قائل باشند و یا مانتوهای به گشادی و بلندی گروه‌های قبلی نپوشند و در عین حال، هویت مذهبی خود را حفظ کنند.

برای توصیف پوشش این زنان در حوزه عمومی رسمی می‌توان گفت که افراد این گروه معمولاً از مانتوهای، نه‌چندان بلند و نه چندان کوتاه استفاده می‌کنند؛ اغلب، همراه مانتو، شلوار می‌پوشند، از استفاده از آستین زیر مانتو می‌پرهیزند و گاهی، لزومی برای پوشیدن جوراب برای پوشاندن کف و روی پای خود نمی‌بینند؛ اما با وجود توضیحات داده شده، زنان این گروه به کلیت اصل حجاب اعتقاد دارند و اگرچه ممکن است مصادیق آن را به چالش بکشند ولی حجاب را به شکل‌های مختلف قبول دارند. این زنان اگر مجبور به پوشیدن مقنعه در حوزه عمومی رسمی نباشند، از استفاده از آن اجتناب و در عوض از روسری یا شال استفاده می‌کنند. این زنان در حوزه عمومی غیررسمی، ممکن است از پوشش‌های دیگری نظیر بلوز و دامن یا پیراهن‌های گشادی که بدن را بپوشاند استفاده کنند و همچنین برای پوشاندن موها به جای مقنعه، روسری یا شال را استفاده کنند.

۶- پوشش به‌مثابه سبک زندگی

اغلب زنان این گروه از طبقه متوسط جامعه‌اند؛ یعنی دارای سطح نسبتاً مناسبی از سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی هستند و از سبک‌های زندگی متعلق به این سرمایه‌ها بهره می‌برند؛ اما به سبب تنوع و گوناگونی که در میان آنان به چشم می‌خورد، نمی‌توان آنها را در یک گروه پوششی خاص گنجانند. برای زنان این گروه، اساساً پوشش به معنای حجاب نیست و این تفاوت بزرگی است که آنان را از همه تیپ‌های قبلی متمایز می‌کند. آنها اکثراً در حوزه‌های عمومی رسمی و غیررسمی جامعه با لباس‌هایی ظاهر می‌شوند که از بی‌اعتقادی آنان به مسأله حجاب حکایت دارد؛ مثلاً مانتوهای تنگ و کوتاه را انتخاب می‌کنند، در صورت اجبار برای استفاده از مقنعه، از مدل‌هایی استفاده می‌کنند که رها باشد و موهایشان را نپوشاند یا تا حد امکان، مفرقات استفاده از مقنعه را با پوشیدن شال و روسری نقض می‌کنند. همچنین در حوزه عمومی غیر رسمی نیز لباس‌هایی راحت‌تر مانند شلوارهای کوتاه، مانتوهای آستین کوتاه و مانتو یا دامن‌های تنگ را برمی‌گزینند.

۷- پوشش مدمحور (تیپ اینترنتی)

مصرف‌کنندگان تیپ اینترنتی غالباً کسانی هستند که از سطوح بالای تحصیلاتی و سرمایه اقتصادی بهره دارند. آنان بیشتر، از خانواده‌های ثروتمند و دارای تحصیلات بالا در رشته‌هایی مانند مجموعه هنر یا زبان هستند که به طریقی، ارتباط آنان را با جهان خارج از مرزهای ملی، ممکن و تسهیل کرده است. در میان این گروه، عده انگشت‌شماری پیدا می‌شوند که تعلقات مذهبی دارند؛ زیرا پیروی از اغلب این مدها و شیوه‌ها مستلزم نداشتن قیود مذهبی است.

الگوی مصرف لباس در همه حوزه‌های عمومی و خصوصی این افراد تسری می‌یابد. با توجه به نوسان‌های زیاد مدهای لباس، تعریف ثابتی از پوشش زنان این گروه نمی‌توان به دست داد. گرانی لباس‌های این تیپ، تعلق ایشان به گروه‌هایی با سرمایه اقتصادی بالا را الزامی می‌کند. ویژگی بارز این تیپ، همان‌طور که از نام آن برمی‌آید، گرایشی است که زنان این دسته به اخذ الگوهای پوشش و آرایش خود از اینترنت و ماهواره و حرکت همگام با مدهای جهانی، هنرپیشه‌ها، مانکن‌ها و تالارهای نمایش لباس از خود نشان می‌دهند.



۸. فشن لس (Fasionless)

این تیپ از زنان ایرانی به نام «فشن لس» یا زنان، از هیچ مدی پیروی نمی‌کنند؛ البته شاید ایشان به لحاظ ظاهری، وجه تمایزی نداشته باشند و مشابه تیپ‌های دیگر به نظر آیند. آنچه وجه تمایز اعضای این گروه از سایر گروه‌ها شمرده می‌شود، ذهنیتی است که این زنان درباره نوع پوشش خود و مسأله مد دارند. عنصر مشخص این ذهنیت، مقاومتی است که آنان در برابر مدهای لباس از خود نشان می‌دهند و در عوض می‌کوشند تا الگوی مصرف لباس‌های خود را بر اساس سلیقه شخصی، نیاز یا باورهایی غیر از مد تعیین کنند. در میان این زنان، دو گروه برجسته به چشم می‌خورد:

دسته اول، زنانی که با تکیه بر ایدئولوژی مذهبی در مقابل تهاجم فرهنگی و مد، آگاهانه می‌ایستند و سعی می‌کنند با انتخاب پوششی که مد نیست و یا خلاف مد است، الگوی انتخاب خود و هویت مدستیز خویش را به اطلاع مخاطبان خود برسانند.

دسته دوم، بیشتر شخصیت‌های محافظه‌کاری هستند که احساس می‌کنند در جریان تغییرات تند و همیشگی مدهای لباس، آرامش روانی خود را از دست می‌دهند. اینان می‌کوشند با انتخاب نوعی لباس خاص که آن را مطابق هویت خود می‌یابند، به سکون شخصیتی دست یابند.

۹. پوشش فمینیستی

فمینیست‌ها هم مانند تیپ «فشن لس» به لحاظ ظاهری تمایز چندانی با دیگران ندارند. اینان بیشتر به لحاظ ذهنیت و انگیزه های انتخاب لباس از سایر زنان متمایز می‌شوند؛ نه به جهت نوع لباس‌هایی که می‌پوشند. تفکری که زنان این دسته در برابر آن مقاومت می‌کنند، عقیده مردسالاری است.

حداقل دو نسل را می‌توان در میان فمینیست‌های ایرانی تشخیص داد: نسل اول که اکنون در دوران میان‌سالی خود به سر می‌برد و عقاید و اندیشه‌هایی بنیادگرایانه دارد. افراد این نسل به طور عمده، فمینیست‌های غیر دانشگاهی هستند. طرفداران این دسته، استفاده از هر نوع پوشش و لباس خوشایند مردان و نشانگر مفاهیم زنانگی را رد می‌کنند؛ مثلاً از پوشیدن لباس‌های خاص زنان، مثل دامن و پیراهن زنانه می‌پرهیزند.

نسل دوم ایشان فمینیست‌های دانشگاهی‌اند (یعنی امروزه در بین دانشجویان، آنها را می‌توان دید) و در سنین جوانی به سر می‌برند. عقاید این گروه، شدت و حدت عقاید نسل پیش از خود را ندارد و نگاه آنان به پوشش، بیشتر مبتنی بر نوعی زیبایی‌شناسی است. این زنان به جای محروم کردن خود از پوشش‌ها و لباس‌های زنانه‌ای که به آنها علاقه دارند، درصدد بی‌اعتبار کردن نگاه مردانه به خود برمی‌آیند و می‌کوشند تا در انتخاب لباس و پوشش خود نظریات کسانی مانند مردان خانواده و مردانی که با آنان ارتباط دارند را دخالت ندهند و در عوض با تکیه بر سلیقه و میل خود و احیاناً منابع دیگری نظیر مد، نوع پوششی را انتخاب کنند که بیشتر با شرایط و تمایلات آنان سازگار باشد.



به اختصار می‌توان تیپ‌های مختلف پوششی و آرایشی در میان زنان ایران را در سه سبک مختلف خلاصه کرد:

تیپ نخست یا گونه سنتی، کسانی هستند که در راستای گفتمان دینی حاکم بر جامعه، بیشتر به حجاب به‌منابه تکلیف می‌نگرند و به ابعاد مذهبی و عرفی آن توجه ویژه‌ای دارند. برای این طیف از زنان، حجاب اصلی، چادر است. حجاب به گونه‌ای برای آنان درونی شده است که کارکردهای اخلاقی آن را پذیرفته‌اند، مدرنیته نتوانسته است روی حجابشان تأثیر چندانی داشته باشد.

تیپ دوم یا گونه نیمه‌مدرن، اکثریت افراد را در خود جای می‌دهد. این دسته از زنان با وجود نوعی از بازاندیشی در درک و تجربه نوع و اندازه حجاب، گفتمان دینی مسلط در باب حجاب را نیز کاملاً رها نکرده‌اند. آنان با وجود پوشش چادر، حجاب را منحصر در چادر نمی‌دانند و معتقدند مانتوی مناسب نیز می‌تواند نقش چادر را ایفا کند. این گروه، حد و حدود عرفی حجاب را در جامعه ایرانی به طور کلی رعایت می‌کنند؛ اما در عین حال از لباس‌هایی استفاده می‌کنند که متناسب با اقتضانات زمان است و گرایش زیادی به کنترل و مدیریت نوع پوشش خود بر مبنای سلیقه فردی خود دارند.

تیپ سوم یا گونه مدرن را زنانی تشکیل می‌دهند که بیشتر به نمای ظاهری خود توجه دارند و خود را تصمیم‌گیرنده نهایی در این امر می‌دانند. مذهب در این دسته از زنان، جایی ندارد. بنابراین پوشش مذهبی را نیز نمی‌پذیرند. این دسته از افراد، حجاب را امری سیاسی و تحمیلی از سوی حاکمیت کشور قلمداد می‌کنند و آن را ابزاری برای دسترسی به موقعیت‌های اجتماعی نظیر شغل، ازدواج و... تلقی می‌کنند که همین امر از نظر آنان زمینه نفاق و دورویی را در این زمینه‌ها فراهم آورده است.

منابع

۱. حمیدی، نفیسه و مهدی فرجی (۱۳۸۷)، سبک زندگی و پوشش زنان در تهران، تحقیقات فرهنگی ایران، ش ۱، ص ۶۵-۹۲.
۲. فرجی، مهدی و نفیسه حمیدی (۱۳۸۳)، نگرش زنان به انواع پوشش‌های رایج؛ تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۳. قادرزاده، امید و همکاران (۱۳۸۹)، حجاب در کشاکش سنت و تجدد، دو فصل‌نامه علمی - تخصصی اسلام و علوم اجتماعی، سال دوم، ش ۳، ص ۱۷۰-۱۴۱.



پدوم گفت گل از رنگ و لعابش پیداست
زن مؤمنه از طرز حجابش پیداست

مه‌لقا جام‌بزرگ (متولد ۱۳۷۰ در همدان) تیرانداز زن ایرانی است که در بازی‌های آسیایی گوانگ‌ژو در تفنگ بادی تیمی ۱۰ متر، مدال نقره و در ماده ۵۰ متر سه وضعیت، مدال برنز گرفت.

مه‌لقا جام‌بزرگ اولین ورزشکار ایرانی است که سهمیه المپیک لندن را گرفت. او همچنین نخستین زن ایرانی است که در ماده تفنگ بادی از فاصله ۱۰ متر، ایران را صاحب سهمیه کرد. او در مسابقات قهرمانی جهان به میزبانی مونیخ در سال ۲۰۱۰، برای اولین بار موفق به حضور در مرحله فینال شد و با قرار گرفتن در رده پنجم جهان، توانست ایران را صاحب سهمیه المپیک کند.



مه‌لقا جام‌بزرگی با حجاب برتر در المپیک ۲۰۱۲ لندن

حضور وی با چادر در المپیک ۲۰۱۲ لندن، بازتاب فراوانی داشت؛ گرچه رسانه‌های غربی در ابتدا تلاش داشتند صحنه‌های مربوط به این حضور را بازتاب ندهند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حضور زنان در میدانهای ورزشی به جای جنبه تبلیغاتی، به وسیله‌ای تبدیل شد تا دنیا با قدرت زنان مسلمان و محجبه ایرانی آشنا شود و جایگاه والای زنان را در ایران به نمایش بگذارد؛ درحالی‌که تا قبل از انقلاب ۹۰ مری و هفت داور زن در کشور وجود داشت و هفت رشته ورزشی در حوزه زنان فعال بود و تنها یک مجموعه ورزشی متعلق به زنان بود. پس از پیروزی انقلاب و در زمان کنونی ۲۸ رشته ورزشی فعال در حوزه زنان وجود دارد و بیش از ۳۵ هزار مری و ۱۶ هزار داور زن در کشور فعالیت می‌کنند و بیش از ۲۰ مجموعه ورزشی به زنان اختصاص دارد.

قبل از پیروزی انقلاب، ورزشکاران زن در شش مسابقه خارجی شرکت داشتند و ورزشکاران زن توانسته بودند در عرصه مسابقات بین‌المللی، پنج مقام را دریافت کنند؛ اما بعد از پیروزی انقلاب، زنان ورزشکار در مسابقات متعددی از جمله مسابقات ویژه زنان کشورهای اسلامی و در رشته‌های متعدد حضور می‌یابند و تا کنون بیش از ۱۶۰ مقام آسیایی، جهانی، پارالمپیک و کشورهای اسلامی را دریافت کرده‌اند.

در ادامه به برخی از مهم‌ترین بانوان مدال‌آور ایرانی در عرصه‌های جهانی اشاره می‌کنیم. روشن است که معرفی تمام این عزیزان در مقاله‌ای مختصر امکان ندارد.



مریم هاشمی

مریم هاشمی ووشوکار ایرانی اهل کرمانشاه و قهرمان مسابقات جهانی ترکیه در سال ۲۰۱۱ و مسابقات جهانی مالزی در سال ۲۰۱۳ است. وی از کودکی ووشو و ورزش‌های رزمی را آغاز کرد.



هاشمی دو بار در مسابقات جهانی موفق به کسب نشان طلا شد. وی به‌تازگی در مسابقات قهرمانی جهان مالزی در سال ۲۰۱۳ که با حضور قدرت‌های فنون رزمی دنیا برگزار شد، موفق شد حریفان خود را یکی پس از دیگری شکست دهد. او توانست به قهرمانی جهان دست یابد و جایگاه ایران را در رتبه جهانی ارتقا بخشد.

هاشمی، چفیه مقام معظم رهبری (مد ظله) را بهترین هدیه و دیدار با رهبر معظم انقلاب را بهترین اتفاق زندگی خود عنوان می‌کند. وی در برنامه انتخاب برترین ورزشکار کشور که رادیو و شبکه ورزش برگزار کرده، با بیش از ۳۰۰ هزار رأی از سوی مردم و کارشناسان، با عنوان ورزشکار برتر اخلاق در سال ۹۲ انتخاب شد.

سمیه حیدری

عضو تیم ملی کوراش بانوان و متولد استان چهارمحال و بختیاری است. وی سیزده سال است که در این رشته فعالیت می‌کند و در دوازده سال آن، عضو تیم ملی بوده است. حیدری دو بار در مسابقات داخل سالن آسیا، نایب قهرمان شده است. در یکی از این مسابقات که به میزبانی کره جنوبی بود، وی با شکست حریفی از میزبان، راهی فینال شد؛ اما در فینال با ناداوری، نتیجه را به حریفی از ازبکستان واگذار کرد و مدال نقره گرفت. در همین مسابقات بود که با اصرار با چادر بر روی سکو رفت. البته این کار به راحتی صورت نپذیرفت؛ زیرا میزبانان کره‌ای مخالف چنین تصمیمی بودند؛ اما وقتی با اراده مصمم او مواجه شدند، تسلیم شدند.



حیدری در ادامه موفقیت‌های خود به ایستگاه مسابقات جهانی ترکیه رسید. وی بعد از کسب مدال برنز در رقابت‌های کوراش قهرمانی جهان با چادر و با در دست گرفتن قران مجید و تمثالی از مقام معظم رهبری بر روی سکوی سوم جهان ایستاد و گفت: حجاب محدودیت نیست، مصونیت است و باعث پیشرفت می‌شود. او نیز مانند مریم هاشمی مدال طلای جهانی خود را به مقام معظم رهبری تقدیم کرد.

الهه احمدی

الهه احمدی عضو تیم ملی تیراندازی جمهوری اسلامی ایران که در مسابقات گوانگ‌ژو موفق به کسب ۳ مدال رنگارنگ شد. وی در هر سه نوبتی که بر روی سکوی اهدای مدال رفت، یک جلد کلام الله مجید به همراه خود برد تا پاسخی داده باشد به کنشش هتاک امریکایی (تری جونز) که در آن زمان اقدام به قرآن‌سوزی کرده بود.



الهه احمدی قرآن به دست، سمت راست مریم طالبی و دست چپ مه لقا جام‌بزرگی بانوی المپیک ایران در بازی‌های آسیایی گوانگ‌ژو



نجمه آبتین

نجمه آبتین در سال ۱۳۶۱ در شیراز متولد شده است. وی کمانداری ایرانی است که پیش از این موفق به کسب سهمیه المپیک پکن شده بود. او همچنین نخستین زن تیرانداز ریکرو ایران است که تاکنون به المپیک راه یافته است.



نیلوفر اردلان

نیلوفر اردلان که متولد ۱۳۶۴ است، یکی از بازیکن فوتبال زنان ایران است. وی پیش از این هم پیشنهادهایی برای بازی در باشگاه‌های اماراتی داشت؛ برای مثال باشگاه ابوخلیبی مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان با حقوق ماهیانه ۵ هزار دلار را به او پیشنهاد داده بود.



لیلا اسفندیاری

لیلا اسفندیاری کجوری‌راد متولد ۱۳۴۹ بود. او در یکی از شاخص‌ترین کارهایش موفق شد به قله دشوار نانگاپاربات صعود کند. وی در سال ۱۳۹۰ قصد صعود به گاشربروم، یکی از دشوارترین قله‌های جهان را داشت که به دلیل شرایط نامساعد جوی، موفق به این کار نشد و جان خود را نیز در همین راه از دست داد.



الهام اصغری

الهام اصغری، شناگر ایرانی است که در ۲۶ سالگی با طی مسافت ۱۲ کیلومتری منطقه مرزگاه تا چیلک دریای خزر در ۵ ساعت، رکورد جدیدی در رشته آب‌های آزاد، ثبت و عنوان رکورددار شنای آزاد دریای ایران را کسب کرد.



آتوسا پورکاشیان

آتوسا پورکاشیان در سال ۱۳۶۷ متولد شده است. وی یکی از شطرنج‌بازان ایرانی است که درجه استاد بزرگ زنان را دارد. آتوسا در سال ۲۰۰۰ قهرمان زیر ۱۲ سال دختران جهان شد و در حال حاضر نیز بالاترین ریتینگ را در میان شطرنج‌بازان زن ایرانی در اختیار دارد. او در ژانویه ۲۰۱۱ در رده ۹۲ بین شطرنج‌بازان زن دنیا قرار گرفت. آتوسا در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ نماینده تیم هامبورگ در بوندس لیگای شطرنج آلمان بود.

سپیده توکلی

سپیده توکلی متولد ۱۳۶۷ است و سابقه حضور در تیم ملی را دارد. او در سال ۲۰۱۰ دو مدال طلای غرب آسیا در سوریه را به دست آورده و رکورد دار ایران در رشته پرش ارتفاع است. وی همچنین در مسابقات ژاپن در سال ۲۰۱۰ هم مقام نهم را کسب کرد.

فرزانه توسلی

فرزانه توسلی متولد ۱۳۶۵ است. او دروازه‌بان تیم ملی فوتسال بانوان ایران است. وی همراه تیم ملی، نایب قهرمان فوتسال بانوان در بازی‌های داخل سالن قهرمانی آسیا شده است.

هما حسینی

هما حسینی متولد ۱۳۶۷ و یکی از زنان قایقران ایرانی است که پرچمدار کاروان ورزشی ایران در المپیک پکن بود. هما پیش از قایقرانی در کرمانشاه، در رشته بسکتبال کار می‌کرد؛ اما پس از انجام تست آمادگی جسمانی برای رشته قایقرانی، با توجه به قد بلندش، برای آموزش و عضویت در تیم ملی برگزیده شد. او در مسابقات تک‌نفره رشته پاروئنی روئینگ در المپیک پکن شرکت کرد.



سارا خوش‌جمال فکری

سارا خوش‌جمال فکری، تکواندوکار ایرانی متولد ۱۳۶۷ است. او نخستین تکواندوکار زن ایرانی است که در المپیک تابستانی پکن شرکت کرد. سارا در آن دور از مسابقات، با یک برد و یک باخت در دور یک‌هشتم‌نهایی از دور مسابقات حذف شده بود. پیش از این نیز، مجله تایم، وی را یکی از ۱۰۰ ورزشکار تماشایی المپیک معرفی کرده بود. سارا همچنین در بازی‌های آسیایی گوانگ‌ژو، نشان برنز را به دست آورده است.

فیروزه دهقان

فیروزه دهقان که متولد ۱۳۵۴ است، نخستین زن ایرانی است که در تاریخ فوتبال ایران به عنوان مدرس فوتبال فیفا و ناظر فوتبال فدراسیون فوتبال آسیا در بخش زنان انتخاب شده است. وی که در سطح بین‌المللی به تدریس داوری می‌پردازد، سابقه ۱۵ سال داوری فوتبال را دارد و دوره‌های مختلف داوری فیفا و AFC را گذرانده است. او نخستین داور زن است که پس از انقلاب اسلامی در فوتبال بانوان قضاوت کرده است.

لیلا رجیبی

لیلا رجیبی در سال ۱۳۶۲ در بلاروس به دنیا آمد. او ورزشکار پرتاب وزنه بلاروسی الاصل با تابعیت ایران است. نام اصلی او تاتسیانا ایلیوشچانکا است. لیلا یا همان تاتسیانا در زمان برپایی یکی از اردوهای تیم ملی ایران در بلاروس با پیمان رجیبی، دهنده دو سرزعت ایرانی آشنا شد و در سال ۱۳۸۶ با او ازدواج کرد و پس از دریافت تابعیت ایرانی و روی آوردن به اسلام، اکنون با نام لیلا رجیبی در بوشهر زندگی می‌کند. او رکورددار پرتاب وزنه ایران است.

نیلوفر رشیدی

نیلوفر رشیدی، کاپیتان تیم ملی والیبال بانوان ایران، متولد ۱۳۶۴ است. نیلوفر تاکنون در مسابقات داخلی و بین‌المللی بسیاری حضور داشته است. او همچنین سال گذشته در آماریگیری انتخاب بهترین بازیکنان لیگ برتر والیبال بانوان باشگاه‌های ایران، بازیکن سال شد.



یاسمین سعادت

یاسمین سعادت متولد ۱۳۷۰ است. یاسمین اولین زن تنیس‌باز ایرانی با حجاب اسلامی در مسابقات بین‌المللی است. شرکت در مسابقات آسیایی عمان، مسابقات زیر ۱۸ ساله‌های غرب آسیا، مسابقات آسیایی زیر ۱۸ ساله‌ها در اردن، مسابقات آسیایی زیر ۱۴ ساله‌ها در سوریه، مسابقات زیر ۱۳ ساله‌های غرب آسیا در قطر، مسابقات آسیایی زیر ۱۶ سال در کیش و مسابقات زیر ۱۶ سال در تایلند، بخشی از حضور او تا رسیدن به سن ۱۸ سال بوده است.

لاله صدیق

لاله صدیق متولد ۱۳۵۵ و یکی از زنان ورزشکار ایرانی در رشته های اتومبیل‌رانی، سوارکاری و خلبانی است. او سابقه قهرمانی در رقابت‌های اتومبیل‌رانی رالی بانوان و سوارکاری بانوان ایران را در کارنامه دارد. لاله صدیق نخستین زن در تاریخ جمهوری اسلامی ایران است که در یک رشته اتومبیل‌رانی به رقابت با مردان پرداخته است.

لیدا فریمان

لیدا فریمان متولد ۱۳۵۱ و نخستین پرچمدار زن کاروان ورزشی ایران در المپیک پس از انقلاب اسلامی و اولین بانوی شرکت کننده از ایران در رشته تیراندازی است.

ندا شهسواری

ندا شهسواری در سال ۱۳۶۵ در کرمانشاه متولد شده است. ندا از سال ۱۳۸۰ عضو تیم ملی تنیس روی میز است که با قهرمانی در مسابقات آسیای میانه، سهمیه بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۱۲ را کسب کرده بود. او با حضورش در المپیک لندن، اولین زن ایرانی است که در رشته تنیس روی میز در المپیک حضور یافته است؛ اما در این بازی‌ها با شکست در بازی اول، برابر حریفی از نیجریه حذف شده بود.



مریم طوسی

مریم طوسی متولد ۱۳۶۷ در بروجرد است. او رکورددار دوهای ۱۰۰ متر، ۲۰۰ متر و ۴۰۰ متر زنان ایران و اولین بانوی ایرانی است که موفق به دریافت مدال طلای دو میدانی در مسابقات قهرمانی آسیا شد. مریم در رقابت‌های کشورهای اسلامی ۲۰۱۳ که در اندونزی برگزار شده بود توانست در مسابقات ۱۰۰ متر و ۲۰۰ متر صاحب دو مدال طلا شود و رکورد ایران در این رشته را نیز ارتقا دهد.

فروغ عباسی

فروغ عباسی متولد ۱۳۷۲ در شیراز است. او یکی از اعضای تیم ملی ایران در بازی‌های المپیک زمستانی ۲۰۱۴ در رشته اسکی آلپاین است. وی با مدت زمان دو دقیقه و ۲۵ ثانیه و ۶۹ صدم ثانیه جایگاه ۴۸ رقابت‌های ماریچ کوچک بازی‌های المپیک زمستانی ۲۰۱۴ را به دست آورد.

مرجان کلهر

مرجان کلهر متولد ۱۳۶۷ است. او هم یکی دیگر از اسکی‌بازان رشته آلپاین است. مرجان در المپیک زمستانی ۲۰۱۰ ونکوور، اولین اسکی‌باز زن ایرانی بود که در المپیک زمستانی حضور یافت.

فرشته کریمی

فرشته کریمی که متولد ۱۳۶۷ است، برای نخستین بار در تاریخ رشته‌های تویی، در جمع ۱۰ بازیکن برتر جهان قرار گرفت. سال گذشته سایت معتبر futsalplanet نام این ملی‌پوش فوتسال بانوان ایران را در فهرست نهایی نامزدهای سال ۲۰۱۳ قرار داده بود. فرشته پیش از این به مسابقات مقدماتی المپیک لندن هم رفته بود؛ اما بازیکنان این تیم به علت منع فیفا در استفاده از حجاب، بدون برگزاری مسابقه به ایران بازگشتند.





علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
 رتال جامع علوم انسانی

منابع
<http://www.jamnews.ir> خبرگزاری جام نیوز
<http://www.farsnews.com> خبرگزاری فارس
<http://www.jonbeshnet.ir> سایت بهروان ولایت

علل و عوامل گرایش به مدیریت بدن

در بررسی علل گرایش به بدحجابی، خودآرایی، مانکنیسم، بر اساس جمع‌بندی مقالات و تحقیقات موجود، مناسب‌تر به نظر رسید که این علل در سه دسته اجتماعی، فردی و روانی دسته‌بندی شوند. بر این اساس در ادامه به ذکر این سه دسته از دلایل می‌پردازیم:

پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

الف) علل اجتماعی

۳. آرایش کردن و بدحجابی، ابزارهایی برای همنوایی با دیگران و نقش گروه همسالان در این مسأله محققان معتقدند، فرار از تحقیر و تمسخر دیگران، کسب تأیید گروهی و پذیرش اجتماعی از دلایل برخی کسانی است که برای همزنگی با جماعت، به زیباتر کردن صورت و ظاهر خود با آرایش و داشتن حجاب‌های نامتعارف، روی می‌آورند؛ زیرا در نظام روابط اجتماعی، قواعد و استانداردهایی برای تنظیم این روابط اجتماعی تولید می‌شود که برای اکثریت افراد مورد قبول است.

انسان‌ها برای مصاحبت با دیگران به یک زبان مشترک، آداب مشترک، قوانین مشترک، لباس مشترک و... نیاز دارند. بی توجهی یکی از اعضای گروه به این قواعد و هنجارها یا سرپیچی از آنها مورد انتقاد و سرزنش سایر اعضای گروه قرار می‌گیرد؛ لاینرو از آنجایی که افراد به روابط اجتماعی نیاز دارند، باید با رعایت هنجارهای گروهی در جهت جلب اعتماد افراد گروه بآیند. چنانچه یکی از معیارها و ارزش‌های مطلوب گروهی، آرایش زیاد و یا رعایت نکردن حجاب باشد، در صورت رعایت نکردن اصول آن، فرد مورد نظر، سرزنش و توبیخ رسمی و غیر رسمی می‌شود و در نهایت، ممکن است از گروه طرد شود.



۱. نقش رسانه در ایجاد تمایل به مدیریت بدن فشارهای بیرونی به منظور هماهنگ شدن با شیوه‌های مشخص بدن مطلوب، با گسترش تبلیغات و مجلات زنانه که زنان را هدف مصرف قرار داده‌اند، ارتباط مستقیم دارد. در بیشتر مجلات مرتبط با زنان، محصولات و تشویق می‌شوند که غالباً مبتنی بر لاغری اندام و زیبایی مصنوعی از طریق استفاده از لوازم متعدد آرایشی یا حتی اقدام به اعمال جراحی زیبایی است. افراد، ظاهر خود را با تصاویر تبلیغی در رسانه‌ها مقایسه می‌کنند و اگر خود را پایین‌تر از سطح تصاویر ببینند، با کاهش عزت نفس، افزایش نارضایتی از ظاهر، و تمایل و اقدام به آرایش و دستکاری‌های بدنی مواجه می‌شوند. ماهواره از سایر رسانه‌ها در این زمینه قدرت بیشتری دارد.

۲. افزایش سرمایه اجتماعی به وسیله مدیریت بدن عده‌ای از افراد با آرایش، جراحی زیبایی و یا حجاب نامتعارف، دنبال افزایش ارتباط خود و برقراری ارتباط بهتر و مؤثرتر با دیگران هستند. این گروه معتقدند که با اقدام به این اعمال در جهت زیباتر شدن، بهتر می‌توانند شروع کننده ارتباط و حتی جذب کننده ارتباط باشند. این گروه بیشتر خواهان برقراری ارتباط با جنس مخالف هستند. از سوی دیگر برخی معتقدند که با داشتن ظاهری زیبا، صفات خوب دیگری به ذهن مخاطب متبادر می‌شود؛ مانند: اجتماعی بودن، باکلاس بودن، باسواد بودن، باهوش بودن و... که در کیفیت روابط مؤثر است.

ب) علل فردی

۱. نقش دینداری و گرایش‌های دینی
دینداری و گرایش‌های دینی در ارتباط معکوس با میزان تمایل دختران به استفاده از لوازم آرایشی است. بدین معنا که هرچه میزان دینداری افراد و گرایش آنها به دین بیشتر باشد، میزان استفاده آنها از لوازم آرایشی و گرایش آنها به این عمل کمتر خواهد بود.



۲. نوگرایی، بازاندیشی و ساخت هویت جدید
تمایل به نوگرایی به درجات مختلف در پسران و دختران جوان مشاهده می‌شود. فاصله گرفتن جوانان از هنجارهای پیشین و رسیدن به هویتی متمایز از کسانی که پیش از آنان بوده‌اند و همچنین گرایش به فاصله گرفتن از والدین را می‌توان گواه نیاز آنها به شکستن قالب‌های موجود دانست. این امر زمانی نمود بیرونی پیدا می‌کند که به صورت تنوع در پوشش، آرایش و دستکاری‌های بدنی، ظاهر می‌شود. در واقع مشخص شده است که برخی افراد به این دلیل آرایش می‌کنند و یا در ظاهر خود موازین شرعی حجاب و پوشش را رعایت نمی‌کنند که می‌خواهند هویت فردی جدید و خودی آرمانی را که مطلوب می‌دانند، بسازند.

این گروه با آرایش کردن و ظاهرسازی در جهت ارائه شخصیتی مطلوب و القای تصورات مثبت و ارزشمند در جامعه، مثل تعلق به طبقه اجتماعی بالا، به دیگران هستند. بدن در میناهای هویتی جدید، حیطة و قلمرو شخصی فرد محسوب می‌شود و افراد در دوره مدرن، امکان هر گونه تغییر در ساختار فیزیکی و بدنی خود را به دست آورده‌اند؛ در نتیجه افراد در ساختن این هویت جدید و مطابق معیارهای شخصی، هر گونه تغییری را در بدن خویش اعمال می‌کنند. این تغییر، تنوعی گسترده دارد و از نوع و میزان آرایش در صورت تا انواع پوشش‌ها و حتی جراحی‌های پزشکی را در چهره و اندام‌ها شامل می‌شود.

۴. ضعف جامعه‌پذیری یا تربیت اجتماعی

جامعه‌پذیری یعنی فرآیندی که طی آن انسان، ارزش‌ها، هنجارهای جامعه و گروهی را که در آن عضو است می‌آموزد. محققان معتقدند که بدحجابی و یا تمایل به آرایش زیاد صورت، درباره برخی کنشگران در فرآیند جامعه‌پذیری و کاستی‌های تربیتی ریشه دارد.

این موضوع بیش از آنکه به شخص مربوط باشد به کارکرد کارگزاران جامعه‌پذیری همچون خانواده‌ها، شبکه‌های ارتباطی، محیط‌های آموزشی، کانون‌های فرهنگی و وسایل ارتباط جمعی مربوط می‌شود؛ زیرا در تربیت و شکوفایی استعدادهاى جدید و آماده‌سازی آنها برای ایفای نقش‌های شهروندی در جامعه، نقش محوری دارند.

۵. مدیریت بدن، وسیله‌ای برای کسب فرصت‌های اجتماعی
افراد، زیبا بودن را یکی از دلایل کسب فرصت‌های اجتماعی متنوع می‌دانند؛ بنابراین تلاش برای افزایش شانس فرد در کسب فرصت‌های اجتماعی، یکی از دلایل اقدام به آرایش یا بدحجابی است. ازدواج، اشتغال و کسب موفقیت‌های تحصیلی و اقتصادی از جمله فرصت‌هایی است که دختران به دنبال کسب آن هستند. جلب توجه پسرانی که به زیبایی اهمیت می‌دهند، کار پیدا کردن راحت‌تر و موفقیت در کار با استفاده از آرایش صورت و بدحجابی، از جمله دلایل این دسته از افراد است.

۳. نفی خود و پنهان کردن خود، زیر ماسک آرایش و جراحی برای این گروه، ساختن هویت جدید مهم نیست؛ بلکه برای آنها بیشتر، پنهان کردن خود، هویتشان و حتی ویژگی‌های جسمی و روحی‌شان مطرح است. این گروه با انواع آرایش‌ها، پوشش‌های جلب توجه کننده و جراحی‌های متنوع، درصددند تا نقص‌های احتمالی چهره و اندام خود را از دید دیگران پنهان کنند؛ نقایصی که در بیشتر اوقات، وجود خارجی ندارند و فقط به دلیل فشارهای روانی بر فرد در ذهن وی شکل گرفته‌اند؛ به طور مثال انگ‌هایی مانند اینکه فردی دارای چهره شهرستانی، دهاتی یا بی‌کلاس است، وی را ترغیب می‌کند تا با اعمال جراحی و یا اقدام به آرایش‌های مختلف، هویتی را که ناپسند می‌انگارد، مخفی کند.

ج) علل روانی

۱. تمایل به جلب توجه

بیشتر افراد در استفاده از لوازم آرایشی یا نوع پوشش و طراحی اندام خود، دنبال جلب توجه دیگران هستند. استفاده از این وسایل به نوعی همراه با پذیرش و تأیید این دختران از سوی دیگران است. وقتی زیبایی و تلاش برای زیباتر شدن، آن‌هم به هر نحوی، در یک جامعه به عنوان ارزش شناخته شود، افراد سعی می‌کنند تا با اقدام به آن، پذیرش و تأیید دیگران را داشته باشند و کاری کنند تا با جلب توجه دیگران، گوی رقابت را در زیبایی از دیگران بربایند.

تا پیش از این، شکل ظاهری افراد، ثابت و خارج از حیطه کنترل فرد بود و بنابراین افراد در تمام طول زندگی خود، شکل چهره و اندام خود را می‌پذیرفتند و با آن زندگی می‌کردند؛ اما امروزه که امکان تغییرات مختلف در آن به وجود آمده، افراد سعی می‌کنند تا در رقابتی که برای زیبایی در حال انجام است، از قافله عقب نمانند و برای جلب توجه دیگران، هرچه زیباتر به نظر آیند.

۲. تشخیص طلبی، برتری جویی و تمایز طلبی

عده‌ای از افراد با انتخاب نوعی پوشش و میزان خاصی از آرایش به دنبال این هستند که بین خود و دیگران تمایز ایجاد کرده و از این راه، خود را به عنوان فردی که دارای نوع خاصی از شخصیت و سبک زندگی است، به دیگران معرفی کنند. منطق پوشش و آرایش آنها تمایز است. آنها می‌خواهند با افراد مذهبی یا حتی غیر مذهبی متفاوت باشند؛ مثلاً چادر به سر می‌کنند؛ اما در استفاده از لوازم آرایشی افراط می‌کنند. عده‌ای هم به دنبال آن هستند که از تیپ‌هایی برای خودآرایی و پوشش استفاده کنند که هنوز در ایران به مثابه مد، مطرح نشده است. میل به ایجاد تمایز در این افراد باعث می‌شود تا آنها چنین کاری را انجام بدهند. در مجموع در این نوع از سبک زندگی که به صورت ایجاد تمایز در حجاب، پوشش و آرایش افراد جلوه‌گر می‌شود، جدا کردن خود از دیگران در درجه اول اهمیت است و معمولاً کسانی، این کار را می‌کنند که سرمایه اقتصادی بیشتری در دسترس دارند.





۳. نارضایتی از بدن و تصور بدنی؛ نقصان عزت نفس و اعتماد به نفس

افراد برای بالا بردن میزان رضایت از تصویر بدنی خود به سمت استفاده از آن دسته از لوازم آرایشی یا حتی جراحی‌های زیبایی می‌روند که می‌تواند تا اندازه‌ای در جهت بهبود ظاهر عمل کند. محققان دریافته‌اند که میزان نگرانی از تصویر بدن، هم تمایل و هم اقدام به آرایش را افزایش می‌دهد. همچنین میزان این نارضایتی از تصور بدنی و خودپنداره افراد، تأثیر مستقیم بر تمایل آنها به انواع جراحی‌های زیبایی دارد. نارضایتی از ظاهر، تنها تمایل به آرایش را افزایش می‌دهد؛ اما اگر نارضایتی از ظاهر، باعث تداخل در عملکرد اجتماعی فرد شود و اجازه ندهد او به صورت معمولی به کارهای عادی زندگی خویش بپردازد، هم تمایل و هم عمل به آرایش را در فرد افزایش می‌دهد.

این امر نشانگر آن است که افرادی با این ویژگی، از میزان اعتماد به نفس و عزت نفس پایین رنج می‌برند. میزان عزت نفس پایین، تمایل به انجام آرایش را در بین افراد افزایش می‌دهد. میزان نارضایتی از ظاهر، میزان عزت نفس افراد را کاهش می‌دهد. این‌گونه افراد با اقدام به اعمال جراحی و آرایش کردن، اعتماد به نفس از دست رفته خود را دوباره پیدا می‌کنند، جسارت صحبت کردن می‌یابند، اجتماعی‌تر می‌شوند و قدرت اعتراض و اظهار نظر می‌یابند.

۴. تغییر وضعیت روحی

برخی از افراد، دلیل آرایش کردنتان را تغییر وضعیت روحی می‌دانند. اینان معتقدند با آرایش کردن، خستگی‌شان برطرف می‌شود، انرژی می‌گیرند، شاداب‌تر می‌شوند، احساس آرازش می‌یابند و عده‌ای هم احساس جوانی می‌کنند.

منابع

۱. مرادش، گلنراد (۱۳۹۱). استفاده دانشجویان دختر از لوازم آرایشی و عوامل جامعه شناختی مؤثر بر آن، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ش ۳۷، ص ۸۷-۸۶.
۲. شاریپور، محمود و همکاران (۱۳۹۱). تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب، فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی، دوره ۵، ش ۳، ص ۲۹-۱.
۳. خواجه نوری و همکاران (۱۳۹۰). رابطه سبک زندگی و تصور از بدن، تحقیقات فرهنگی، ش ۱۲، ص ۱۰۴-۷۹.
۴. موحد، مجید و اسفندیارغفاری نسب و مریم حسینی (۱۳۸۹). آرایش و زندگی اجتماعی دختران جوان، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ش ۲۸، ص ۱۰۵-۷۹.
۵. خواجه نوری و همکاران (۱۳۹۰). سبک زندگی و مدیریت بدن، زن و جامعه، سال ۲، ش ۴، ص ۴۸-۲۱.

حجاب در سینمای ایران



سخنان
امام (ره)
مبنی بر اینکه «ما
با سینما مخالف
نیستیم، با فحشا مخالفیم»
یا «تلویزیون، دانشگاه عمومی
است» که پس از پیروزی انقلاب
اسلامی ایراد کردند، نویدبخش این
مسأله بود که می‌توان با کمک نیروهای
فعال، انقلابی، متخصص و متعهدی که بر سینما
و تلویزیون احاطه و تسلط دارند، آن را در مسیر
اعتقادات اسلامی و فرهنگ دینی، هدایت کرد. رسالت
سینما در تبیین مقوله حجاب و عفاف بسیار مشکل است؛
چراکه در قدم نخست باید به ذات و تکنولوژی سینما و مبحث نرم
افزاری مربوط به آن به صورت محتوایی پرداخته شود. داشتن چنین
نگاه هدفداری برای بهره‌مندی از صنعت سینما شاید بتواند رسالت خود را
در زمینه فرهنگ دینی به صورت عام و عفاف و حجاب به صورت خاص به
انجام رساند.

پیشینه تاریخی سینما قبل از انقلاب نشان می‌دهد که پدیده سینما تا پیش از انقلاب
اسلامی به طور عمده در مسیری مخالف با مقوله عفاف و حجاب و رواج آن بوده و بیشتر
توان و هزینه‌اش به تولید آثاری که در آنها مقولاتی مثل زن، شراب، موسیقی و رقص قابل احصا
و رؤیت است و اصطلاحاً به آن تولیدات فیلمفارسی گفته می‌شود مصرف می‌شده است.
بعد از پیروزی انقلاب اسلامی خط قرمزهای دینی، اعتقادی و فرهنگی که در بخش‌های مختلف به عنوان
قانون اساسی حاکم شد، مسیر را تغییر داد؛ اما در بدنه سینما در سطحی که مطلوب جامعه اسلامی و مورد نظر
بود، تأثیری ایجاد نکرد. فرهنگ عفاف و حجاب در حال حاضر در سینما چهره خوبی ندارد، به جز آثار برخی از
سینماگران، فرهنگ عفاف و حجاب در بدنه سینمای ایران موفق نبوده است. شاهد مثال این مدعا را می‌توان در سیر
نزولی نحوه و نوع پوشش استفاده بازیگران در فیلم‌های سینمایی، به‌ویژه زنان بازیگر مشاهده کرد. عکس‌های منتشر شده
از زندگی واقعی افرادی که گاهی در رسانه‌های دیداری و شنیداری به عنوان الگو یا نخبه و... به جامعه معرفی می‌شوند را می
توان نمونه‌های امروزی بی‌توجهی به مقوله عفاف و حجاب در بین چهره‌های معروف سینمایی و تلویزیونی مشاهده کرد.
چندی پیش جمال شورجه، کارگردان و تهیه‌کننده سینما و تلویزیون در گفتگو با خبرنگار مهر درباره وضعیت پوشش و حجاب در فیلم
ها و سریال‌های تولید شده در کشور گفت: واقعیت این است که حجاب و چادر در سینمای ما وجود ندارد که بخواهیم درباره خوب یا بد

بودنش بحث کنیم. متأسفانه ۳۰ سال خواب زمستانی مسئولان فرهنگی کشور، چنین عواقبی برای سینما و تلویزیون کشور به همراه داشته است. در جامعه‌ای که اکثر زنان آن با حجاب و عفاف هستند، چرا باید در فیلم‌ها و سریال‌ها تلقین کنیم که زنان جامعه ایرانی بد حجاب و بی‌عفت هستند.

شورجه اظهار داشت: به اعتقاد من باید ناظران کیفی که از سوی ارشاد و صدا و سیما در تولید آثار حضور دارند دقت بیشتری کنند! چون وقتی کارگردان و تهیه‌کننده‌ای اعتقاد به حجاب ندارد و حتی همسر و فرزندانش هم بدحجاب هستند، بی‌اختیار در ساخت فیلم خود توجه تخصصی و فرهنگی به حجاب ندارد و گاهی هم ضربه می‌زند. این کارگردان مطرح کشور گفت: امروزه آیدمی بدحجابی در سینما و تلویزیون به یک بحران تبدیل شده و حرمت چادر به عنوان حجاب برتر در اکثر فیلم‌ها و سریال‌ها شکسته شده است. این در شرایطی است که کارشناسان و هنرمندان متعهد درباره این غفلت، پارها هشدار داده‌اند.

می‌توان گفت که در تعدادی از آثار سینمایی و تلویزیونی به ترویج فرهنگ عفاف و حجاب اهمیت داده می‌شود؛ ولی آنچه از نمایش فیلم‌ها و برخی سریال‌ها به طور کلی استنباط می‌شود، این است که هم‌اکنون رویکرد برنامه‌های هنری به سمتی است که ارزش‌های حجاب و اهمیت رعایت آن نادیده گرفته می‌شود. داشتن فرهنگ حجاب در گرو رعایت عفاف است و طبیعی است که وقتی عفاف در فیلم‌ها و سریال‌ها کمرنگ شود و واقعیت‌های دینی در برنامه‌های هنری کمرنگ باشد، برنامه‌های هنری به سمتی حرکت می‌کنند که بدحجابی را در جامعه ترویج کنند.

نمایش رابطه آزاد بین دختر و پسر، نداشتن حجاب اسلامی صحیح از سوی هنرمندان باعث ترویج بدحجابی در جامعه می‌شود و نه تنها بدحجابی، بلکه رعایت فرهنگ عفاف در خانواده را نیز خدشه دار می‌کند. در شرایط کنونی به کار بردن مؤلفه‌های دینی در فیلم‌ها و سریال‌ها برای رسیدن به زندگی آرمانی توأم با ارزش‌های ایرانی - اسلامی ضروری است و فیلمسازان باید تمام مبانی اسلامی را در نمایش آثار هنری رعایت کنند.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اصلی‌ترین دستگاه مسئول فرهنگ و هنر در کشور، بیش از ۲۰ وظیفه روشن برعهده دارد؛ از آن جمله می‌توان





به
مبا حتی
همچون
استفاده مناسب از
لباس‌های اسلامی
ملی در فیلم‌های
سینمایی، جلوگیری از انتشار و
تبلیغ کالاهای فرهنگی مغایر با
فرهنگ عفاف و حجاب، ترویج
الگوهای مناسب برای عفاف و حجاب،
ممانعت از ترویج فرهنگ مدگرایی منفی در
محصولات و کالاهای فرهنگی، حمایت از انتشار
نشریات تخصصی پوشاک اسلامی و سعی در جهانی
کردن این نشریات از طریق اینترنت و... اشاره کرد. با این حال
سؤال اینجاست که آیا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نهادهای
متعدد فرهنگی در حال حاضر می‌توانند مدعی عملی کردن این وظایف
و ترویج عفاف و حجاب در محصولات سینمای امروز کشورمان باشند؟
نکته جالب توجه، اینجاست که با وجود تمایل برخی هنرپیشه‌های ایرانی برای
کشف حجاب در هالیوود، برخی از هنرمندان مطرح هالیوودی، نگاه مثبتی را درباره
حجاب در فیلم‌های ایرانی ابراز می‌کنند؛ برای مثال جورج کلونی، هنرپیشه مطرح
هالیوودی، طی گفتگویی از رعایت قوانین شرعی در سینمای ایران استقبال کرده و آن را
بزرگ‌ترین هنر ایرانیان نامیده است.

جرج کلونی یکی از هنرپیشه‌های مطرح هالیوود که قصد دارد به‌زودی به ایران سفر کند، چندی پیش
در اظهار نظری درباره سینمای ایران گفت: به سینمای ایران بسیار احترام می‌گذارم. این بزرگ‌ترین هنر
ایرانی‌ها است که با رعایت قوانین شرعی و عرفی خود فیلم می‌سازند و ما که در فرهنگی دیگر زندگی می
کنیم، از فیلم خوشمان می‌آید، برایمان باورپذیر است و لذت هم می‌بریم.
اظهار نظر هنرپیشه هالیوود درباره رعایت حدود شرعی در سینمای ایران در حالی صورت می‌گیرد که برخی سینماگران
ایرانی، این قوانین را دست و پا گیر می‌دانند؛ به گونه‌ای که سال گذشته، یکی از تهیه‌کنندگان سینمای ایران درباره نمایش
تصویر زن در سینمای ایران گفت: در سینمای ایران، تصویر زن به لحاظ فیزیکی با محدودیت‌هایی مواجه است و برای رسیدن
به زن واقعی و هدفمند در سینما، راه طولانی و دشواری را پیش رو داریم.

منابع

مصطفی شاه‌کرمی، روزنامه جوان: <http://javanonline.ir> خبرگزاری مهر: <http://mehrnews.com> خبرگزاری صدای شبانه: <http://sedayeshia.com>



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز جامع علم و ادب

طبق نظر برخی، ایران پس از عربستان، مقام دومین مصرف‌کننده لوازم آرایشی در خاورمیانه را به خود اختصاص داده است. طبق آمارها زنان جهان، سالانه ۱۶۰ میلیارد دلار برای زیبایی خود هزینه می‌کنند.

این روزها آرایش کردن، بیش از گذشته میان زنان و دختران جوان رایج شده است. اگر در کشورهای غربی پیرزن‌های ۷۰ سال به بالا، خود را با انواع ترفندهای آرایشی، زیبا و جوان نشان می‌دهند، در کشور ما بسیاری از دختران نوجوان ۱۴ سال به بالا، هر روز وقت زیادی از خود را رویه‌روی آینه می‌گذرانند تا خوشگل شوند، غافل از اینکه پزشکان متخصص پوست درباره عوارض آرایش‌های غلط هشدار می‌دهند. دکتر نسترن فرزنان، متخصص پوست و مو در این باره می‌گوید: کرم پودرها، لاک ناخن، رژ لب، ریمل چشم و سایه‌ها در رنگ‌های متنوع، از جمله مواد آرایشی هستند که استفاده می‌شوند.

وی می‌افزاید: متأسفانه اغلب خانم‌ها بدون توجه به ویژگی‌های پوست خود از این مواد استفاده می‌کنند؛ مثلاً کسی که پوست خشک دارد، به هیچ وجه نباید از کرم پودرهای خشک استفاده کند؛ درحالی‌که دارندگان پوست‌های چرب می‌توانند از این پودرها استفاده کنند. او درباره استفاده از مواد آرایشی چرب‌کننده چنین توضیح می‌دهد: بیشتر عوارض مواد آرایشی پوست به مواد چرب مربوط می‌شود و در نهایت باعث بروز آکنه روی پوست خواهد شد. به گفته وی، مواد آرایشی چرب، منافذ پوست را می‌بندند و سبب بروز جوش‌های سرسیاه روی پوست می‌شوند.

به‌تازگی گروهی از کارشناسان آمریکایی و انگلیسی با انتشار نتایج تحقیقات گسترده‌ای که روی محتوای لوازم آرایشی و مواد بهداشتی انجام شده اعلام کرده‌اند در صورت استفاده دائمی از خوشبو کننده ها، مام‌های ضد عرق، ژل‌ها، شامپوها، صابون‌های دارای ترکیبات پیچیده و غیره، مواد به‌ظاهر بی‌خطری در کبد، پوست، کلیه‌ها و بقیه اعضای بدن جمع می‌شوند که به مرور زمان، واکنش‌های آلرژیک، آسم و حتی سرطان را در پی خواهند داشت. به گفته آنها ترکیبات شیمیایی موجود در لوازم بهداشتی، تغییراتی در بافت‌های مخاطی ایجاد می‌کنند و از این‌رو این مواد، از مهم‌ترین عوامل بروز سرطان هستند.

طبق نظر برخی، ایران پس از عربستان، مقام دومین مصرف‌کننده لوازم آرایشی در خاورمیانه را به خود اختصاص داده است. طبق آمارها زنان جهان، سالانه ۱۶۰ میلیارد دلار برای زیبایی خود هزینه می‌کنند.

طبق نظر برخی، ایران پس از عربستان، مقام دومین مصرف‌کننده لوازم آرایشی در خاورمیانه را به خود اختصاص داده است. طبق آمارها زنان جهان، سالانه ۱۶۰ میلیارد دلار برای زیبایی خود هزینه می‌کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم پایه

صرف می‌کنند و در این میان، زنان ایرانی چیزی حدود یک میلیارد دلار برای زیبایی خود هزینه می‌کنند. سرانه مصرف لوازم آرایشی هر فرد در خاورمیانه، سالانه ۳۳۴ دلار است. سن مصرف لوازم آرایشی در ایران به ۱۵ سال رسیده است؛ درحالی‌که در کشورهای توسعه یافته، تمایل به آرایش در بین زنان مسن دیده می‌شود که طراوت و شادابی پوست خود را از دست داده‌اند.

آمار بالای مصرف لوازم آرایشی در ایران، در حالی است که بازار قاچاق لوازم آرایشی در کشور ما بسیار پررونق است. مسأله اینجاست که اغلب محصولات قاچاق، تقلبی است. جالب اینکه تقلب در حوزه لوازم آرایشی بسیار بیشتر از حوزه غذا و داروست.

به نوشته ایرنا، تنها ۱۰ درصد لوازم آرایشی موجود در بازار از مجاری قانونی وارد کشور می‌شود و ۹۰ درصد آن به صورت غیرقانونی وارد می‌شود و به دست مصرف‌کننده می‌رسد.

دکتر محمدجواد یزدان‌بناه، متخصص پوست و مو درباره انواع لوازم آرایشی در بازار می‌گوید: در بحث لوازم آرایشی باید یک نکته کلیدی را در نظر گرفت و آن تفاوت لوازم آرایشی استاندارد و مورد تأیید وزارت بهداشت با لوازم آرایشی غیراستاندارد است. این نکته از این رو

محصولات آرایشی اصولاً نه تنها هیچ اثر مثبتی بر روی پوست ندارد، بلکه باعث بسته شدن منافذ پوست می‌شود و خطر ابتلا به چین و چروک و پیری زودرس را افزایش می‌دهد.

اهمیت دارد که لوازم آرایشی استاندارد و غیر استاندارد می‌تواند به ایجاد حساسیت بینجامد. طبیعی است که لوازم آرایشی غیر استاندارد می‌تواند مضرات بیشتری داشته باشد. بنابراین واکنش حساسیتی، یکی از شایع‌ترین عوارض استفاده از انواع لوازم آرایشی است. سوزش، خارش، خشکی و قرمزی همگی از نشانه‌های حساسیت محسوب می‌شود و در ترکیبات غیراستاندارد، این واکنش‌ها بیشتر است.

التهاب و تحریک مداوم پوست در پی استفاده مکرر از لوازم آرایشی در طول زمان می‌تواند به پدیده شایع پیری پوست بینجامد. دکتر سید مجتبی امیری، متخصص پوست در توضیح علت پیری پوست بر اثر استفاده از لوازم آرایشی به فارس می‌گوید: محصولات آرایشی اصولاً نه تنها هیچ اثر مثبتی بر روی پوست ندارد، بلکه باعث بسته شدن منافذ پوست می‌شود و خطر ابتلا به چین و چروک و پیری زودرس را افزایش می‌دهد. در سطح پوست به طور طبیعی، منافذ عرق وجود دارد که به وسیله تعریق، رطوبت پوست را تأمین می‌کند. علاوه بر این، منافذ دیگری در پوست صورت قرار دارد که چربی ترشح شده در سلول‌های پوست را به سطح پوست می‌آورد و باعث شادابی و طراوت پوست





می‌شود. استفاده زیاد از محصولات آرایشی باعث می‌شود به مرور زمان، منافذ پوست بسته شود و خطر افزایش جوش‌ها و حساسیت‌های پوستی افزایش پیدا کند. دکتر یزدان‌پناه نیز با اشاره به بسته‌شدن منافذ پوست و احتمال بروز جوش‌های پوستی می‌گوید: در زنان، پدیدآمدن ضایعات آکنه‌ای بر اثر مصرف بی‌رویه لوازم آرایشی، بسیار شایع است.

اکثر ترکیبات آرایشی، چرب است و با بستن منافذ طبیعی پوست، جوش‌های ریزی روی پوست ظاهر می‌شود و ممکن است به‌ایجاد التهاب بینجامد. این مسأله به‌ویژه در دختران جوان که پوست‌های چرب دارند، شایع‌تر است. عوارضی که ذکر شد می‌تواند حتی با مصرف لوازم آرایشی استاندارد هم بروز پیدا کند و تمامی این عوارض به صورت شدیدتر درباره محصولات غیرمجاز دیده می‌شود. محصولات غیرمجاز علاوه بر این عوارض، می‌توانند آلودگی‌های میکروبی و قارچی را برای مصرف‌کننده در پی داشته باشند؛ به‌ویژه اگر به صورت مشترک استفاده شود. لوازم آرایشی که خریداران مختلف تست می‌کنند تا در نهایت به دست مصرف‌کننده برسد، می‌تواند آلودگی و عفونت قارچی داشته باشد و فرد را دچار عوارض متعدد کند.

دکتر یزدان‌پناه با اشاره به چربی بیشتر پوست جوانان توصیه می‌کند که جوانان، کمتر از لوازم آرایشی استفاده کنند؛ زیرا این محصولات،

یکی از شایع‌ترین دلایل بروز آکنه است. برخی ترکیبات آرایشی، آکنه‌زا است و به تشدید آکنه پوست در سنین جوانی کمک می‌کند. محصولات آرایشی در صورت استفاده باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن، استفاده، و به‌سرعت از سطح پوست پاک شود. هنگام پاک‌کردن محصولات آرایشی نیز شستن نامناسب، کشیدن پوست، به‌ویژه پوست اطراف چشم، می‌تواند به پوست آسیب برساند. همچنین تماس طولانی پوست با محصولات آرایشی می‌تواند به واکنش‌های حساسیتی منجر شود و از آنجا که منافذ پوست بسته است، پوست آسیب می‌بیند.

این متخصص پوست درباره بهداشت چشم و استفاده از محصولات آرایشی مخصوص چشم توضیح می‌دهد: تمامی نکات ذکر شده را باید درباره چشم رعایت کرد. همچنین باید توجه کرد که چشم و پوست اطراف آن بسیار حساس است و باید بیشتر از آن مراقبت کرد. همچنین درباره تاتو باید متذکر شد که انجام آن از نظر پزشکی، تأیید نمی‌شود؛ زیرا در واقع، وارد کردن رنگدانه به

اکثر ترکیبات آرایشی، چرب است؛ و با بستن منافذ طبیعی پوست، جوش‌های ریزی روی پوست ظاهر می‌شود و ممکن است به‌ایجاد التهاب بینجامد. این مسأله به‌ویژه در دختران جوان که پوست‌های چرب دارند، شایع‌تر است.

به داخل پوست است و عوارضی که می‌تواند داشته باشد، شامل انتقال عفونت و واکنش بدن به رنگدانه است. تاتو فقط در شرایط استثنایی و با در نظر گرفتن خطر آن و استفاده از امکانات کاملا بهداشتی، قابل تجویز است. اغلب تاتوهای زیبایی، خطر بالایی دارد؛ زیرا مضرات آن بیش از مزایای آن و انجام آن از نظر پزشکی مردود است.



منابع
روزنامه خراسان <http://www.khorasannews.com>
روزنامه جام جم
خبرگزاری ایرنا: <http://www.irna.ir>
پایگاه خبری خبر پرداز: <http://www.khabarpardaz.com>



شکی نیست که حجاب و عفاف از مهم‌ترین آموزه‌های اسلامی است که در آیات و متون روایی، اشارات بسیاری به آن صورت گرفته است. حجاب از سویی سلامت روانی زنان و مردان را در بعد فردی فراهم می‌کند و از سویی دیگر، امنیت اجتماعی زنان را به همراه می‌آورد و از این رهگذر، شرایط اجتماعی برای حضور مؤثر و پویای زنان در جامعه را مهیا می‌سازد. همچنین پوشیدگی زن و مرد در جامعه، شرایط مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی و علمی را فراهم می‌سازد و تمرکز نیروی‌های فعال در اجتماع را از کار یا تحصیلات به التذاذ جنسی منحرف نمی‌سازد.

شهید مطهری در این باره می‌گوید: بی‌حجابی و بدحجابی باعث کشاندن لذت‌های جنسی از محیط خانواده به اجتماع می‌شود و در نتیجه منجر به تضعیف نیروی کار افراد جامعه می‌گردد. بدون تردید مردی که در خیابان، بازار، اداره، کارخانه و... همواره با ظواهر محرک و مهیج انسان‌های بدحجاب و آرایش کرده مواجه باشد، تمرکز نیروی کار او کاهش می‌یابد. بر خلاف کشورهای غربی که میدان کار و فعالیت‌های اجتماعی را با لذت جویی‌های جنسی در هم می‌آمیزند، اسلام می‌خواهد با رعایت حجاب و پوشش، محیط اجتماع از این‌گونه لذت‌ها پاک شده و لذت‌های جنسی فقط در کادر خانواده و با ازدواج مشروع انجام شود.

با نگاهی به آیات قرآن کریم درباره حجاب و عفاف می‌توان گفت که به طور کلی در ۲۱ سوره از سوره‌های قرآن، دو مفهوم حجاب و عفاف بررسی شده است. بر اساس چینش خاصی که ابن عباس درباره ترتیب نزول سوره‌ها ارائه می‌دهد این سوره‌ها عبارت‌اند از: اعراف، مریم، طه، شعراء، نمل، قصص، هود، یوسف، حجر، صافات، انبیاء، مومنون، معارج، عنکبوت، آل عمران، احزاب، نساء، الرحمن، نور، تحریم، مائده.

طرح مسأله حجاب و عفاف در سوره‌های مکی که پس از سال سوم بعثت، یعنی پس از دعوت علنی پیامبر نازل شده‌اند، آغاز

می‌شود. بنابراین می‌توان گفت: حجم وسیعی از طرح مسأله عفاف در قرآن کریم در سوره‌های مکی به چشم می‌خورد (۱۴ سوره از ۲۱ سوره). قالب طرح در این سوره‌ها اغلب بیان داستان است. خداوند در خلال بیان داستان آدم و حوا، مریم، قوم لوط، موسی(ع) و یوسف(ع) بسیاری از مفاهیم مربوط به این دو مقوله را بیان کرده است.

علاوه بر قالب داستان، وجه تشویقی نیز در برخی سوره‌ها نظیر صافات، مومنون و معارج وجود دارد که در آن خداوند، ارزش عفت‌ورزی و پاکدامنی را در قالب توصیف بهشتیان و یا مؤمنان به تصویر کشیده است؛ اما در سوره‌های مدنی، قالب بیان، بیشتر تشریح احکام مربوط به حجاب و عفاف است که در خلال شکل‌گیری جامعه مسلمین در مدینه در سال‌های سوم هجرت به بعد نازل می‌شد. بیشتر احکام و آیات صریح مربوط به حجاب و عفاف در دو سوره احزاب و نور وجود دارد که به گواهی مفسران در سال پنجم هجرت و در خلال وقایع مربوط به جنگ احزاب، ازدواج پیامبر با زینب بنت جحش و همچنین جریان افک که در این سال‌ها واقع شد نازل شده‌اند. در اینجا برای رعایت اختصار، تنها به ذکر مهم‌ترین آیات مربوط به حجاب و برخی از احادیث این باب اشاره می‌کنیم.

۱. «یا بنی آدم قد آنزلنا علیکم لباسا یوارى سواةکم وریسا ولیباس التقوی ذلک خیر ذلک من آیات الله لعلهم یدکرون!»
 «ای فرزندان آدم، به یقین بر شما لباسی که عورت‌های شما را بپوشاند و لباسی که زیب و زیور شما باشد، نازل کردیم (مواد اولیه آن را در زمین آفریدیم و استعداد تهیه آن را به شما دادیم) و البته لباس تقوا بهتر است. اینها از آیات و نشانه‌های خداوند (برای مردم) است، باشد که یادآور نعمت‌های او شوید.»

۲. «یا بنی آدم لا یفتننکم الشیطان کما أخرج ابویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما لیرتبهما سواتهما انه یراکم هو و قبیلته من حیث لا ترؤنهم انا جعلنا الشیاطین اولیاء للذین لا یؤمنون»
 «ای فرزندان آدم، شیطان شما را نفریبند، آن‌گونه که پدر و مادر شما

۲. امام علی(ع) در ضمن سخنانی به فرزندش امام حسین(ع) می‌فرماید: «وَإِكْفِ عَلَيْهِنَ مِنْ أَنْصَارِهِنَّ بِحِجَابِك إِيَّاهُنَّ، فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَيْقَى عَلَيْهِنَ؛ وَ مِنْ رَأْيِ حِجَابٍ وَ يَوْشَنِ بَأَنَوَانِ أَنَانِ رَأْيِ بِيَوْشَانٍ؛ چُون رِعَايَةِ حِجَابٍ بِه طُورِ جَدِي، زَنَانِ رَأْيِ سَالِمِ تَرٍ وَ بِهْتَرِ حَفِظِ خَوَاهِدِ كَرْد.»

۳. «عليكم بالصفيق فان من رقى ثوبه رقى ديتة؛ بر شما باد که لباس ضخیم بپوشید چه هر که لباسش نازک باشد دیتش هم نازک است.»

حاصل آنکه به اختصار از مجموع آیات و احادیث موجود در این باب، نگاه کلی اسلام به مسأله حجاب و عفاف به دست می‌آید که می‌توان آن را در قالب چند نکته فهرست کرد:

الف) هر مسلمانی، چه زن و چه مرد، باید از چشم‌چرانی - و نه هر نگاهی - بپرهیزد؛ به عبارت دیگر مطلق نگاه کردن به نامحرم، حرام نیست؛ بلکه نوعی از نگاه که توأم با شهوترانی باشد و مقسده و گناه به همراه بیاورد، ممنوع است.

ب) مسلمانان، چه زن و چه مرد، باید پاکدامن باشند و عورت خویش را از دیگران بیوشانند و در معرض استفاده هر کسی قرار ندهند

از آنجا که در امر زینت، مصالحی برای انسان به‌ویژه زنان تهفته است، شارع مقدس، آن را مستحب دانسته و دستورهایی در این باره صادر کرده است، افراد مؤمن باید آراسته باشند و از زینت، حتی هنگام عبادت استفاده کنند

ج) زنان مسلمان باید پوشش داشته باشند و زینت و زیور خود را از دیگران بیوشانند و در صدد تحریک و جلب توجه مردان نباشند.

د) آشکار بودن زینت ظاهری زن، استثنا شده و حرام نیست. بنابراین از نظر فقها آشکار بودن صورت و دو دست زن مانعی ندارد و علاوه بر آیات در اخبار و احادیث بسیاری نیز بر این امر تصریح شده است.

ه) بر زنان لازم است خمار (روسری) بر سر بیندازند و علاوه بر بدن خود، موی سر و گریبان خویش را نیز بیوشانند.

و) زنان نباید زینت‌های مخفی را که معمولاً در معرض دید نیستند در برابر نامحرمان ظاهر سازند.

ز) بانوان نباید به قصد متوجه کردن دیگران رفتاری کنند که زینت پنهان آنان جلب توجه کنند؛ مانند اینکه پا را محکم به زمین بکوبند تا صدای خلخال پای آنها، توجه نامحرمان را جلب کند.

ح) از آنجا که در امر زینت، مصالحی برای انسان به‌ویژه زنان تهفته است، شارع مقدس، آن را مستحب دانسته و دستورهایی در این باره صادر کرده است. افراد مؤمن باید آراسته باشند و از زینت، حتی هنگام عبادت استفاده کنند. بر اساس سخن تاریخ نگاران، پیامبر نه تنها مخالف زیبایی و آرایش نبود؛ بلکه بر آن تأکید می‌ورزید و حتی رهنمودهایی نیز برای زیباسازی ارائه می‌کرد. توجه به این گزارش‌ها، به‌خوبی نمایانگر جایگاه آرایش و زیبایی از دیدگاه رسول خدا(ص) است. در این باره می‌توان برای نمونه به احادیث زیر اشاره کرد:

پیامبر(ص) فرمود: «لَا يَحِلُّ لِامْرَأَةٍ تُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تَحْذِيَ عَلَى مَيْتٍ فَوْقَ ثَلَاثِ لَيَالٍ إِلَّا عَلَى زَوْجِ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا؛ برای زنی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، جایز نیست برای مرده‌ای بیش از سه روز، آرایش را ترک کند؛ مگر برای زوج خود که واجب است چهار ماه و ده روز آرایش نکند.»

همچنین آن حضرت، آرایش و زینت زن برای شوهر را از حقوق شوهر بر همسر خود برمی‌شمرد و می‌فرماید: «عليها ان تطيب باطيب طيبها و تلبس احسن ثيابها و تزين باحسن زينتها.» از

جمله حقوق شوهر بر همسر این است که «باید خود را به بهترین عطرها خوشبو کند و بهترین لباس‌هایش را بپوشد و خود را به بهترین صورت تزئین کند.»

پیامبر(ص) در جایی دیگر نیز می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ مَنْ عَبَدَهُ إِذَا خَرَجَ إِلَىٰ إِخْوَانِهِ أَنْ تَهَيَّأَ لَهُمْ وَ يَتَجَمَّلَ؛ همانا خداوند دوست دارد بنده‌اش وقتی برای دیدار برادرانش خارج می‌شود، خود را آماده کند و برای آنان زیبا سازد.»

ط) در کنار تشویق به آرایش و آراستگی در اسلام، احادیثی نیز بر موارد جنبه ممنوعه آرایش در اسلام تأکید دارند که حدود حرمت آن را روشن می‌سازند؛ از جمله عنوانهای مهمی که حکم استحباب زینت در زنان را به حرمت تغییر می‌دهد، آشکار کردن زینت برای نامحرمان است. در قرآن کریم و در آیات پیش گفته، تحت عنوان تبرج از این امر نهی شده است: «وَلَا تَبْرُجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ.» تبرج به معنای جلوه‌گری و خودنمایی است. اصل وجود این خصیصه در زنان، به خودی خود و به عنوان یک میل طبیعی، نه تنها ناپسند نیست؛ بلکه اگر طبق دستورهای دینی هدایت شود، مفید و لازم است؛ اما اگر زن برای جذب جنس مخالف و تصاحب قلب نامحرمان خودآرایی کند، ناپسند و از دید اسلامی، دارای ارزش منفی خواهد بود. این مسأله در بسیاری از احادیث نیز مورد تأکید قرار گرفته که تنها برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. امام صادق(ع) از رسول خدا (ص) روایت می‌کند: «أَيُّ امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ وَ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلَعْنُ حَتَّىٰ تَرْجِعَ إِلَىٰ بَيْتِهَا مَتَىٰ مَا رَجَعَتْ؛ هر زنی که عطر بزند و از خانه خارج شود، لعنت بر او فرستاده می‌شود تا زمانی که به خانه بازگردد.»

۲. رسول خدا(ص) در فرازی از روایتی می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمْ... الْمُتَبَرِّجَةَ مِنْ زَوْجِهَا الْحِصَانِ عَنْ غَيْرِهِ؛ بهترین زنان شما، زنی است که... برای شوهرش آرایش و خودنمایی کند؛ ولی خود را از نامحرمان بپوشاند.»

۳. رسول خدا(ص) در فرازی از روایتی می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمْ... الْمُتَبَرِّجَةَ مِنْ زَوْجِهَا الْحِصَانِ عَنْ غَيْرِهِ؛ بهترین زنان

شما، زنی است که... برای شوهرش آرایش و خودنمایی کند؛ ولی خود را از نامحرمان بپوشاند.»

۴. در حدیث معروف مناهی نیز آمده است:

«وَوَيْهِ أَنْ تَتَزَيَّنَ لغيرِ زَوْجِهَا، فَإِنْ فَعَلَتْ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَحْرِقَهَا بِالنَّارِ؛ پیامبر از اینکه زن برای غیر شوهرش آرایش کند، نهی کرد. اگر زن چنین کند، بر خداوند است که او را با آتش بسوزاند.»

منابع

۱. مطهری، مرتضی(۱۳۸۱)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سی و یکم.
۲. زاهدی، عبدالرضا و همکاران(۱۳۸۹)، روش قرآن در نهادینه‌سازی احباب، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق) - شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال سیزدهم، ش ۳۹.
۳. قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۸ و ج ۷.
۴. عارفی، علی (۱۳۸۶)، مبانی نظری پوشش اسلامی، انتشارات بضعه الرسول (س)، چاپ اول.

اصل وجود این خصیصه در زنان، به خودی خود و به عنوان یک میل طبیعی، نه تنها ناپسند نیست؛ بلکه اگر طبق دستورهای دینی هدایت شود، مفید و لازم است؛



پیشگاہ عالیہ اسلامیات سرگرمی
پرتال جامع علوم انسانی

مانکتیسم



ماجرای مانکنی که با آخرین عکسش، هشدارهای جهانی داد



عکسش را که دیدم، ناراحت شدم؛ ولی اصلاً فکرش را هم نمی‌کردم که بخواهد این قدر اذیتم کند، مدام از صبح تا شب جلوی چشمانم رژه می‌رود. انگار یک جایی در گوشه و کنار مغزم جاگیر شده است و همانجا بست نشسته و خیال تکان خوردن هم ندارد.

راه می‌روم، می‌بینمش. غذا می‌خورم، می‌بینمش. کتاب می‌خوانم، انگار وسط صفحه کتاب نشسته و همین‌طور بر و بر نگاهم می‌کند؛ حتی گفتم، چشم‌هایم را ببندم تا شاید توی آن تاریکی برود و دیگر بیدایش نشود؛ ولی فایده ندارد که ندارد. گفتم بیایم ای‌جا و بنویسم، شاید دست از سرم بردارد.

ماجرای مانکنی که با آخرین عکسش، هشدارهای جهانی داد عکسش را که دیدم، ناراحت شدم؛ ولی اصلاً فکرش را هم نمی‌کردم که بخواهد این قدر اذیتم کند، مدام از صبح تا شب جلوی چشمانم رژه می‌رود. انگار یک جایی در گوشه و کنار مغزم جاگیر شده است و همانجا بست نشسته و خیال تکان خوردن هم ندارد.

راه می‌روم، می‌بینمش. غذا می‌خورم، می‌بینمش. کتاب می‌خوانم، انگار وسط صفحه کتاب نشسته و همین‌طور بر و بر نگاهم می‌کند؛ حتی گفتم، چشم‌هایم را ببندم تا شاید توی آن تاریکی برود و دیگر بیدایش نشود؛ ولی فایده ندارد که ندارد. گفتم بیایم ای‌جا و بنویسم، شاید دست از سرم بردارد.

ایزابیل کارو را می‌گویم؛ مانکن معروف فرانسوی؛ دختری جذاب که همه تلاشش این بود که معروف‌ترین مانکن فرانسه باشد و شد؛ اما حالا در عکس زیر همان ایزابیل است که هنوز در اوج جوانی است و با این حال بر روی لبه مرگ ایستاده است. این همان ایزابیل کارو است که با صورت و اندام استخوانی و پوست چروکیده و چشمانی از حدقه در آمده به دوربین نگاه می‌کند؛ در حقیقت، ماجرای تلخ زندگی ایزابیل کارو به یکی از جنجالی‌ترین مسائلی تبدیل شد که پرده از پشت صحنه دنیای مد و زیبایی برمی‌داشت. به همین دلیل، گردانندگان این صنعت سودآور، تلاش گسترده‌ای را برای مخفی ماندن ماجرای وی و موردهای مشابهی نظیر وی به عمل آوردند. ایزابیل که برای رسیدن به ساینز ۳۴ و تبدیل شدن به یک مانکن حرفه‌ای، رژیم‌های لاغری سختی را از سر گذرانده بود، در نهایت با ابتلا به بیماری بی‌اشتهایی عصبی به کام مرگ کشیده شد. ایزابیل قبل از مرگ اجازه داد تا کمپین ضد لاغری از سرنوشت تأسف‌برانگیز و رقت بار او پوستری تهیه کند تا بتواند جان بقیه دختران را نجات دهد؛ اما کشور فرانسه نصب بوسترهای ایزابیل کارو را در این کشور ممنوع کرد.

کمپین ضد لاغری با تهیه عکس و بوستر و مضاحبه از ایزابیل کارو، دنیا را تکان داد؛ اما ظاهراً در اطراف ما کسی پیدا نشد تا به این آزارهای خطر توجه کند و از سرنوشت ایزابیل و مانکن‌هایی مثل او برای دختران ما سخن بگوید. ایزابیل می‌گوید: این مضاحبه و بوستر، فریادی است برای مبارزه با آنچه گردانندگان صنعت مد بر سر مانکن‌ها می‌آورند. رسیدن به ساینز ۳۴ یکی از اهداف مهم یک مانکن برای باقی ماندن در صنعت مد و زیبایی است؛ دستورالعملی که خوردن و نوشیدن را به کابوسی برای یک مانکن تبدیل می‌کند. این فشار روانی به بروز بیماری

بی‌اشتهایی عصبی (انورکسیا) در بسیاری از مانکن‌ها منجر می‌شود و تاکنون چند تن از آنان را به کام مرگ فرستاده است. در واقع به از دست دادن اشتها، انورکسی می‌گویند. انورکسی عصبی، نوعی بی‌اشتهایی است که بر اثر عوامل عاطفی ایجاد می‌شود. این عارضه بیشتر در بین زن‌ها پیش می‌آید و بیماران معمولاً از بی‌میلی، بدآمدن از غذا، ترس از خفگی هنگام خوردن غذا و بیم از استفراغ کردن پس از هضم آن، شکایت می‌کنند. در بسیاری از موارد، تنفر از غذا به حدی است که سبب بروز حالت استفراغ می‌شود. در افرادی که این حالت شدت می‌یابد، عوارض ناگواری مانند لاغری شدید، اختلال در دستگاه گردش خون، قطع عادت ماهانه و کاهش حرارت بدن پیش می‌آید که گاه به مرگ بیمار منجر می‌شود. گاهی نیز این عارضه بدون علت و درمان خاصی برطرف می‌شود. بعضی از بیماران مبتلا به بی‌اشتهایی عصبی، از خود، اختلالات شخصیت نشان می‌دهند که مشابه اختلالات شخصیت در بیماران اسکیزوفرنیک است. آنها معمولاً در خود فرو می‌روند، با واقعیت‌ها بی‌ارتباط می‌شوند و برای درمان خود همکاری نمی‌کنند.



افراد مبتلا به بی‌اشتهایی عصبی درباره شکل ظاهری خود، بسیار حساس هستند و حتی هنگامی که به طرز خطرناکی لاغر شده‌اند، خود را چاق تصور می‌کنند. فرد بیمار بسیار کم غذا می‌خورد و از توقف رژیم لاغری پس از وزن کم کردن خودداری می‌کند. در این بیماری، دریافت ذهنی و تصور فرد از بدن خود، دچار اشکال می‌شود؛ به گونه‌ای که با وجود لاغری زیاد، هنوز فکر می‌کند که چاق است.

در میان جوانان نسل، امروز داشتن اندام باریک و لاغر از لحاظ زیبایی، یک ارزش به شمار می‌آید و در نتیجه تبلیغاتی که برای لاغری می‌شود و با وجود امتیازهایی که برای لاغر شدن بیان می‌شود، بسیاری از نوجوانان حتی آنهایی که وزن عادی دارند با هراس از چاقی، به رژیم‌های لاغری و کاهش وزن روی می‌آورند. در حقیقت بی‌اشتهایی عصبی، اختلالی است که در آن فرد با وجود گرسنگی، هیچ رغبتی به خوردن غذا ندارد. این ناهنجاری روانی در سال ۱۸۷۴ نام‌گذاری و برای اولین بار علایم آن توصیف شد. این اختلال تقریباً یک درصد نوجوانان و به طور عمده، دخترها را گرفتار می‌کند. میزان ابتلای زنان ۱۵ تا ۲۵ ساله به بی‌اشتهایی عصبی حدود یک در ۱۰۰ نفر است؛ هرچند بروز آن در پسرها نیز رو به افزایش است. این گرسنگی تحمیلی بر اثر ترس از چاقی و تعبیر غلط از ظاهر شخص (چاق به نظر آمدن درحالی که شخص لاغر است) به وجود می‌آید. این اختلال با کوشش برای کم کردن وزن آغاز می‌شود. سپس با سرعت به ترس از چاقی و شیفتگی به لاغری تبدیل می‌شود. این گونه بیماران درباره ظاهر بدن خویش دچار ابهام هستند. هر گونه افزایش وزن، سبب دلهره و اضطراب شدید می‌شود و از دست دادن وزن، این اضطراب را فرو می‌نشاند.

در این عارضه، بیمار علاوه بر اینکه دریافت انرژی را اغلب به کمتر از ۶۰۰ کیلوکالری در روز می‌رساند، از طریق استحمام بیش از حد، ورزش اضافی، استفراغ عمدی، استفاده از مسهل‌ها و ملین‌ها، دفع را افزایش می‌دهد و وزن خود را کم می‌کند. این افراد معمولاً وابسته و مطیع هستند و رفتاری بچگانه دارند، غالباً اعتماد به نفس ندارند و به اظهار نظر دیگران درباره خود، اهمیت می‌دهند. با پیشرفت بیماری، بیماران تحریک‌پذیر و لجباز می‌شوند و کاهش وزن را تنها پناه و وسیله آرامش خود می‌یابند. در حقیقت در این بیماری، بین تصویر ذهنی افراد از خود و واقعیت فاصله می‌افتد.

چند خط از مصاحبه ایزابل با کمپین ضد لاغری به چه دلیل اندامتان را در این پوستر تبلیغاتی به نمایش گذاشتید؟

اندامی را که از آن متنفرم، به نمایش گذاشتم تا دختران جوان در سراسر دنیا و دست‌اندرکاران مد متوجه بشوند که دیکتاتوری لاغری تا چه اندازه وحشتناک است. لاغری بیش از حد، باعث مرگ می‌شود و لاغری یعنی همه چیز به غیر از زیبایی. من می‌خواستم رنج خودم را فریاد بکشم.

نظراتان درباره کمپین ضد لاغری چیست؟
هدف این کمپین نشان دادن واقعیت‌های دنیای مد بود. سایز من درست مطابق یا مانکن‌هایی است که طراحان لباس به آن «سایز صفر» می‌گویند؛ یعنی کمتر از سایز ۳۴ زنانه. بعضی از مانکن‌ها برای نجات خانواده‌هایشان از فقر به چنین شرایطی ادامه می‌دهند. سال گذشته در برزیل، دو مانکن جان خود را از دست دادند. طراحان لباس، بی‌مسئولیت هستند و از دختران جوانی که حاضرند برای وارد شدن به دنیای مد دست به هر کاری بزنند، سوءاستفاده می‌کنند.

نظر شما درباره مد «پرو انا» یا طرفدار انور کسپا چیست؟
این موضوع شرم‌آور است. سوء استفاده از دختران جوان و وادار کردن آنها به غذا نخوردن و تبدیل کردن آنها به یک شیخ، جنایت است.

ایا تصویر شما می‌تواند باعث پیش‌گیری از گسترش این بیماری بشود؟

مسلماً. اگر من در زمانی که در اوج این بیماری بودم، یعنی در سن بین ۱۳ تا ۱۵ سالگی چنین تصویری را می‌دیدم، حتماً به خودم می‌گفتم: من نمی‌خواهم شبیه این دختر جوان باشم که بدنش مثل زنان پیر، تکیده است. امیدوارم که این پوستر تبلیغاتی، بتواند جان دخترهای جوان، حتی یک نفرشان را نجات بدهد.

ایا می‌دانید که نصب پوستر تبلیغاتی شما در فرانسه ممنوع شده است؟

خیر، نمی‌دانستیم؛ اما واقعا از این مسأله متأسفم. ما در فرانسه چشمان خود را به روی واقعیت بسته‌ایم؛ برای مثال، دنیای مد، پشت پرده زندگی واقعی مانکن‌های معروف را نشان نمی‌دهد. ما در پشت صحنه مد، با آرایش صورت و آرایش مو و لباس‌ها، جنازه‌ها را پنهان کرده‌ایم.

ایزابل کارو نتوانست با بیماری‌اش مبارزه کند و آن را شکست بدهد. شاید حالا که او مرده است برای انتشار عکس و مصاحبه اش کمی دیر شده باشد؛ اما آیا ایزابل تنها قربانی صنعت مد خواهد بود؟

مطالعه و مطالبات زنان

منابع

خبرگزاری جهان نیوز: <http://www.jahannews.com>

کوئر پوسفی، سایت پژوهش، مقاله بی‌اشتهایی عصبی: <http://www.pajoohe.com>

امیر علی منصوری، مجله اینترنتی آفتاب، مقاله بی‌اشتهایی عصبی چیست؟ <http://www.aftabir.com>



مانکنیسم و دستکاری های بدنی از نگاه اسلام

ژوئیه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مانکنیسم و دستکاری

های بدنی از نگاه اسلام

در انسان‌شناسی اسلامی، بخش مهمی از توصیه

های دینی، معطوف به صحت و سلامت بدن و حفظ

آن از ابتلا به بیماری‌های گوناگون است. پیامبر و امامان

همواره در طول حیاتشان تلاش کرده‌اند تا از طریق سخنان

خود، خواص درمانی بسیاری از خوراکی‌ها و گیاهان را به اصحابشان

آموزش دهند و آنها را در اهتمام ورزیدن به سلامت و صحت بدن

تشویق کنند. اساسا در نگاه اسلامی، علاوه بر توصیه به طهارت قلبی و

درونی، به نظافت ظاهری و جسمی نیز سفارش شده و نظافت، بخشی از

ایمان دانسته شده است.

به همین دلیل است که اموری نظیر طول عمر، صحت و سلامت،

پاکیزگی، و قوت و قدرت جسمی در نظام اندیشه اسلامی به

مثابه ارزش مطرح شده‌اند و راه‌کارهایی برای دست‌یابی به

آنها در روایات سفارش شده است؛ برای مثال امام

علی(ع) در روایتی، صحت و سلامت بدن را

بالاترین نعمت‌ها توصیه می‌کند: «الصحة

افضل النعم» و در روایتی

دیگر ابتلا به مریضی بدن را از بلای فقر و

تنگدستی بدتر می‌داند: «الا و ان البلاء الفاقة و اشد

من الفاقة مرض البدن، و اشد من البدن مرض القلب الا

و ان من النعم بعد المال، و افضل من سعة المال صحة

البدن و افضل من صحة البدن تقوى القلب؛ بدانید که فقر و

تنگدستی، بالایی بزرگ است و بدتر از آن مریضی بدن و بالاتر از

مریضی بدن، مریضی دل است. همچنان که ثروت، نعمتی بزرگ و بهتر

از آن سلامت و صحت بدن و بالاتر از صحت بدن، تقوا و خویش‌داری دل

است.»

همچنین پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «طوبى لمن اسلم و كان عيشه

كفافا و قواه سدادا؛ خوشا به حال کسی که اسلام بیاورد و درآمدش

برای تأمین معاش او کافی و بدنش تیرومند باشد.»

اساسا می‌توان گفت که بسیاری از احکام فقهی قرآن،

علاوه بر اینکه جنبه‌های ملکوتی و باطنی را مد نظر

دارند، ناظر به حفظ سلامتی بدن انسان و پرهیز

از ابتلا به بیماری‌های گوناگون نیز هستند.

احکامی نظیر حرمت

بسیاری از خوراکی‌ها، ذبح اسلامی حیوانات
حلال گوشت، حرمت مشروبات الکلی، نجاست
سگ، خوک، خون و مردار، ممنوعیت ازدواج با محارم،
و جوب یک ماه روزه در سال، نهی از پر خوری، نهی از
سخن گفتن در میانه صرف غذا، نهی از عصبانیت و خشم،
توصیه به حسن خلق و آرامش، استحباب مسواک و افزایش ثواب
نمازگزاری که بعد از مسواک نماز می‌خواند، سفارش به سحرخیزی و
پرهیز از خواب زیاد، دوری از زنا و فحشا و توصیه به رعایت بهداشت جنسی،
کراهت تناول گوشت قرمز، توصیه به استفاده از میوه جات، سبزیجات و
خوراکی‌های مفید و مقوی نظیر عسل و خرما، و بسیاری دستورهای
دیگر که حجم انبوه آنها منجر به تألیف کتبی نظیر طب الرضا و
طب اسلامی شده است.

در شریعت اسلام، اهتمام به حفظ سلامت بدن به قدری
است که در فرمایش رسول خدا(ص)، علم ابدان در
کنار علم ادیان قرار می‌گیرد^۱ و طبابت در کنار
دین، احترام بالایی می‌یابد؛ به گونه‌ای که

در فقه اسلامی، فراگیری

علوم مورد نیاز جامعه از قبیل علم طب،
واجب کفایی است و بر تمام کسانی که توان
تحصیل چنین علمی را دارند واجب است تا در حد رفع
نیاز جوامع اسلامی، آن را فرا گیرند.
از طرفی در توصیه‌های شرعی دین اسلام بر بیماران واجب
است که در صورت ابتلا به امراض مهلک به طبیب، مراجعه و خود
را معالجه کنند و از کوتاهی در این امر بپرهیزند. دلیل این حکم نیز امور
بسیاری است؛ نظیر قاعده فقهی «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام؛ هیچ زیانی
در اسلام، مقبول نیست» و آیه شریفه «لا تَلْقُوا یَٰۤاَیُّدِیْکُمْ اِلَی التَّهْلِکَةِ»؛ «بیا
دست خود، خود را به هلاکت نیندازید» و احادیث بسیاری، مانند «تَدَاوُوا
فَإِنَّ الَّذِیْ اَنْزَلَ الدَّاءَ اَنْزَلَ الدَّوَاءَ؛ خود را مداوا کنید، همان کسی که
بیماری را فرستاده است دواى آن را نیز نازل کرده است» و
«أَنَّ مُوسَىٰ مَرِضَ فَعَاذَ بِنُوٓاْرِئِیْلِ وَ وَّصَفَوْهَا لَهُ دَوَاءً
فَامْتَنَعَ مِنْهُ فَاَوْحَىٰ اِلَیْهِ یَاۤمُرُهٗ بِذٰلِکَ وَ اِلَّا لَمْ یَشْفَ»؛
موسی(ع) بیمار شد بنی‌اسرائیل دواىی را به او
معرفی کردند و موسی(ع) از استعمال آن

نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. العِلْمُ عِلْمَانِ؛ عِلْمُ الْاَهْتَانِ وَ عِلْمُ الْاَدِیَانِ.

سریاز زد. پس خداوند به
وی امر فرمود که از آن دوا استفاده کند؛
وگرنه شفا پیدا نخواهد کرد.»

از سویی دیگر بر طبیب نیز علاج امراض، واجب است
و امتناع و خودداری وی از درمان، علاوه بر حرمت، ضمان
نیز دارد. در حدیثی ابان بن تغلب از امام صادق (ع) نقل می‌کند
که آن حضرت فرمود: عیسی مسیح (ع) چنین فرمود که اگر طبیبی از
مداوای مریض امتناع ورزد با وارد کننده جرح و زخم شریک است؛ زیرا
شخص وارد کننده جرح، قصد فساد و از بین بردن مجروح را داشته و آن کسی
هم که توانایی مداوا را دارد؛ ولی از معالجه امتناع می‌ورزد، فساد او را مطالب
است؛ یعنی همان‌طور که وارد کننده جرح، مقصر و ضامن است، طبیب
ممتنع از علاج نیز ضامن است. بنابراین طبیب، حق امتناع از
معالجه را ندارد.

عنایت، ایجاد و توسعه پدیده
بدن آگاهی بوده است. دین توانسته است از
طریق مناسک و دستورهای خود درباره نحوه
آرایش، نحوه پوشش، نحوه رعایت نظافت شخصی،
استفاده از خوارکی‌های مختلف و... بدن را به عنوان یک
موضوع و ابژه، پیش روی فرد قرار دهد و این زمینه را ایجاد کند
که انسان بتواند از بیرون به خود بنگرد.

به طول کلی می‌توان گفت دین از اولین و مهم‌ترین
نهادهایی بوده است که به بدن عنایت خاصی داشته
و آن را در کانون توجهات ویژه خود قرار داده
است. یکی از پیامدهای مهم این توجه و
بنابراین می‌توان گفت که اهمیت بدن و برخوردار شدن آن از جایگاهی
ویژه، نتیجه مدرنیته نیست و پیشینه‌ای بسیار طولانی‌تر در تاریخ ادیان دارد.
با این حال می‌توان گفت: دیدگاه مدرنیته به اهمیت بدن، تفاوت‌هایی با تلقی
دین و نگاه شریعت از آن دارد. در نگاه دینی، انسان تنها در بدن خلاصه
نمی‌شود و در کنار بعد بدنی که از اهمیت ویژه‌ای نیز برخوردار
است، بعدی روحی هم دارد که به طور مستقل از بدن قابل
تفکیک است؛ علاوه بر این در نگاه دینی، اهتمام به بدن،
امری فردی و مرتبط به سلائق شخصی نیست و به
طور عمده، در حیات جمعی بشر و مرتبط به
ویژگی مشترک انسانی وی مطرح می‌شود.

با توجه به این تفاوت‌ها می

توان ویژگی‌های نگاه اسلام به بدن را به عنوان نظام انسان‌شناختی مستقلی در برابر رویکرد مدرنیته به بدن دانست که از مختصات متفاوتی برخوردار است. در ادامه به دو تفاوت مهم نگاه اسلامی با نگاه مدرن درباره بدن و مدیریت آن می‌پردازیم:

۱. روح و تمایز آن از بدن

بدن در اندیشه اسلامی همواره مقابل روح قرار دارد. این امر بدان معناست که اولاً: انسان را نمی‌توان در بدن وی خلاصه کرد و ثانياً: تفکیک میان روح و بدن باعث می‌شود تا نتوان هیچ‌کدام از آنها را به دیگری قابل تحویل و تبدیل دانست و تنها به وجود یکی قائل شد.

در قرآن کریم، مرحله نفخ روح در کالبد و جسم انسان، به وضوح از مرحله خلق بدن وی تفکیک شده و این امر نشان از آن دارد که آدمی در کنار بعد بدنی و مادی خود، از بعدی روحانی نیز برخوردار است. قرآن در دو نوبت در سوره‌های حجر و صاد به

صراحت میان خلقت جسم

انسان و روح وی تفکیک می‌کند. قرآن،

دمیدن روح در بدن انسان را مرحله‌ای پس از

خلقت بدن معرفی می‌کند: «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ

مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»^۱ «هنگامی که کار آن را به

پایان رساندم و در او از روح خود (یک روح شایسته و بزرگ)

دمیدم، همگی برای او سجده کنید!»

«ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ»^۲ «سپس کار خلقت او را به پایان رسانید

و در او از روحش دمید.»

همچنین در آیاتی دیگر نیز بر دو مرحله‌ای بودن خلقت انسان اشاره دارد و

پس از خلق بدن وی، مرحله دمیده‌شدن روح انسانی در کالبد آدمی را

با عباراتی نظیر «كُنْ فَيَكُونُ وَ اَنشَانَاهُ خَلْقًا آخِرًا» بیان می‌دارد:

«خَلَقَهُ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۳ «او را از خاک خلق

کرد. سپس به او گفت: موجود شو، پس موجود شد.»

علامه طباطبایی در تفسیر این آیات می‌فرماید: جمله

«ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» ناظر به ایجاد روح،

یعنی نفس انسانیت است؛ نه درباره بدن؛

نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

همچنان که در آیه «ثُمَّ

جَعَلْنَاهُ نَطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ
عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا

فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ»^۱ «پس او را

نطفه‌ای در جای امن قرار دادیم، پس از آن، نطفه را علقه

کردیم، آن گاه علقه را مضغه و مضغه را استخوان کردیم و سپس

آن استخوان‌ها را با گوشت پوشاندیم و در آخر، او را خلقی دیگر

کردیم.» بعد از آنکه خلقت تدریجی را بیان می‌کند، درباره خلقت روح

جنین تعبیر می‌کند: «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ.»

با توجه به آیات قرآن می‌توان دانست، اولین موجودی که بعد روحی انسان

را انکار می‌کند و در توصیف وی، او را خلاصه در بدن و جسم معرفی

می‌کند، شیطان است؛ از این رو خلاصه کردن انسان در بدن وی و

انکار بعد روحانی او که در دوران مدرنیته به این سو انجام می

شود، از نگاه قرآنی، عملی شیطانی است. مطابق آیات

قرآن پس از آنکه شیطان از سجده به آدم امتناع می

ورزد در پاسخ به سؤال خداوند که علت این امر

را از وی جویا شده می‌گوید:

«قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ

تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتَ بِيَدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ

الْعَالِينَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ

طِينٍ قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ»^۲ «گفت: ای

ابلیس، چه چیز تو را از سجده کردن در برابر آنچه من یا دو

دست خود آفریدم، منع کرد. آیا بزرگی فروختی یا مقامی

ارجمند داشتی؟ گفت: من از او بهترم مرا از آتش آفریده‌ای و او را از

خاک آفریده‌ای. گفت: از اینجا بیرون شو که تو مطرودی.»

«قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ إِلَّا تَكُونُ مَعَ السَّاجِدِينَ قَالَ لِمَ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِمَنْ خَلَقْتَ

مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ»^۲ «خدا گفت: ای

ابلیس، تو را چه شده که با سجده‌کنندگان نیستی؟ گفت: هرگز من بر

آن نیستم که در برابر بشری که او را از گلی خشکیده و برآمده از

لجنی بدبو آفریده‌ای سجده کنم. خدا گفت: پس، از اینجا

بیرون شو که همانا تو رانده شده هستی.»

در این آیات، شیطان در توصیف انسان و توجیه

امتناع خود از سجده، وجود آدمی را در بدن

خاکی وی که آفریده شده از گلی خشکیده

۱. مؤمنون / ۱۳ - ۱۴.

۲. (صاف / ۷۵ - ۷۷).

۳. حجر / ۳۲ - ۳۴.

و لجنی بدبوست تنزل می

دهد و هیچ اشاره‌ای به وجود روح در کالبد او نمی‌کند که امری مقدس و منسوب به خداوند و در واقع علت سجده فرشتگان نیز است؛ به عبارت دیگر شیطان، آدمی را مساوی با بدن وی معرفی می‌کند و وجود بعد روحی وی را منکر می‌شود. به همین دلیل حکم به رانده شدن وی از عالم غیب می‌شود؛ زیرا اساساً چنین تفکری از سنخ عالم غیب نیست و در حد عالم ظهور توقف دارد. می‌توان گفت مدرنیته نیز در عالم ظهور توقف کرده و به همین دلیل تنها بدن انسان را که به رؤیت وی می‌رسد، می‌پذیرد و از پذیرش روح در آن سر باز می‌زند. به همین دلیل است که اندیشه مدرن در پایگاه فکری قرآنی، تفکری تبعیدی و رانده شده از وطن خویش به حساب می‌آید. تفکری که دوگانگی میان روح و بدن را به نفع بدن مرتفع می‌سازد و وجود انسان را به بدن وی فرو می‌کاهد.

۲. تغییر در بدن

شکل‌گیری ایده مدیریت بدن به معنای

مدرن آن، معلول انسان

شناسی تک بعدی در دوران مدرن است که وجود انسان را فقط در چهارچوب بدنمندی وی تحلیل می‌کند. غیاب امر قدسی و غیبی در این دوره، آدمی را حاکم مطلق بدن خود ساخت و حق هرگونه تغییر و دستکاری در آن را مشروعیت بخشید. به همین دلیل است که بسیاری از پیشرفتهای پزشکی در حوزه تغییر در بدن، در این دوره رخ می‌دهد؛ برای مثال دکتر آلکسیس کارل، پیوند عروق را در سال ۱۹۰۲ برای نخستین بار انجام داد. پس از آن، راه برای پیوند سایر اعضا از جمله کلیه باز شد. در سال ۱۹۵۴ در امریکا اولین پیوند کلیه صورت گرفت و پرفسور برنارد در سال ۱۹۶۸ در افریقای جنوبی، برای اولین بار، پیوند قلب را انجام داد.

در سال ۱۹۹۲ ایان ویلموت، جنین‌شناس اسکاتلندی اعلام کرد که در سال قبل، نخستین پستاندار را بدون نیاز به تماس جنسی به دنیا آورد و به این ترتیب، اولین تجربه شبیه‌سازی صورت گرفت. همچنین در سال ۱۹۵۲ برای اولین بار در غرب عمل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

تغییر جنسیت با موفقیت انجام شد و توجه افکار عمومی را به خود جلب کرد. به همین شکل اولین عمل‌های زیبایی و دستکاری چهره و اندام، شکل‌گیری دانش تغذیه و رژیم‌های لاغری و چاقی همگی مربوط به همین دوره هستند و تابعی از طرز فکر رایج در دوران مدرنیته محسوب می‌شوند.

مهم‌ترین دستاورد انسان‌شناسی مدرن در زمینه بدن، اعطای حق مالکیت بدن به هر فرد است که وی را در هر گونه تصمیم‌گیری درباره ویژگی‌های بدنی‌اش آزاد می‌گذارد. این حق مالکیت، تنها در قلمرو تصمیم‌گیری برای بدن خود فرد، محدود نمی‌ماند و علاوه بر جراحی‌های زیبایی، رژیم‌های غذایی، تغییر جنسیت، و اوتانازی یا مرگ خود خواسته، حوزه‌های دیگری نظیر غربالگری و کشتن معلولان ذهنی، تشریح جسد، پیوند اعضای فرد متوفی و سقط جنین را نیز - که به نوعی تصمیم‌گیری درباره بدن دیگران است - فرا می‌گیرد.

اما تفاوت نظر اسلام با رویکرد مدرن به

تغییر در بدن را می‌توان در

چند محور خلاصه کرد:

الف) از نظر قرآن، تغییر در خلقت جانداران (اعم از حیوانات و انسان‌ها) عملی شیطانی است که ابلیس به آن امر می‌کند. در آیه ۱۱۹ سوره نساء، ابلیس پس از رانده شدن از درگاه خداوند چنین می‌گوید: «وَ لَا أَصْلَحُهُمْ وَ لَا مَرْزُقُهُمْ فَلْيَعْبِرُوا خَلْقَ اللَّهِ»: «و آنها را گمراه می‌کنم و به آرزوها سرگرم می‌سازم و به آنان دستور می‌دهم که گوش چهارپایان را بشکافند و آفرینش خدایی را تغییر دهند». چنان‌که پیداست ظاهر آیه، این است که تغییر در خلق خدا اگر به دستور خدا نباشد به دستور شیطان خواهد بود و حرام است. پس آیه در مقام بیان یک اصل کلی است که نباید بدون اذن و در غیر مواردی که خداوند اجازه داده است، در آفرینش خدا تغییر ایجاد کرد؛ همان‌طور که مفسران بزرگ شیعه و سنی گفته‌اند کارهایی نظیر اینکه فردی خود را از مردانگی بیندازد (اخصاء) مورد نظر این آیه است. شیخ طوسی در تبیان در تفسیر جمله «وَ لَا مَرْزُقُهُمْ فَلْيَعْبِرُوا

می‌کند و جان بیمار در گرو
 آن است. به پشتوانه همین اجازه در موارد
 ضروری است که پزشکان عالم اسلامی در قرون
 دوم و سوم هجری برای علم به آناتومی بدن و کمک
 گرفتن از آن در درمان بیماری‌ها به تشریح جسد می
 پرداختند.

در میان احادیث معتبر شیعی نیز برخی از روایات به جواز دستکاری
 در بدن در صورت ضرورت دلالت روشنی دارند؛ از جمله از امام موسی بن
 جعفر (ع) درباره زنی سؤال شد که از دنیا رفت و بچه در شکم او زنده بود و امام
 در پاسخ، به شکافتن شکم زن و بیرون آوردن بچه دستور دادند. همچنین
 نقل شده است که امیر المؤمنین (ع) دست قطع شده سارقی به نام اسود
 را به بازوی او پیوند زد و آن عضو، مرمت و اصلاح شد.
 درباره عمل‌های زیبایی نیز می‌توان با مراجعه به آرای فقها
 دید که اگر این‌گونه عمل‌ها و به طور کلی هر گونه دخل
 و تصرف دیگری در بدن، نظیر رژیم‌های لاغری
 ضرورت درمانی و پزشکی نداشته باشد و در
 عین حال ضرری نیز متوجه بدن فرد بسازد،

خلق الله» می‌فرماید: در
 معنای آیه اختلاف است. ابن عباس از انس
 نقل کرده که مقصود اخته کردن خود است. علامه
 طباطبایی نیز در تفسیر این آیه می‌فرماید: این آیه بر
 انواع تصرف‌ها در آفرینش منطبق می‌شود؛ مانند اخته
 کردن، مثله کردن یا انجام عمل زشت لواط و مساحقه.
 روشن است که مواردی که شیخ طوسی یا علامه در توضیح این آیه
 ذکر می‌کنند بیان مصادیق تغییر در خلقت خدا از باب نمونه است؛ به گونه
 ای که در آیه مورد ذکر، تغییر در خلقت خداوند، معنایی کلی است و می‌تواند
 شامل هر گونه تغییری که از سوی خداوند مجاز دانسته نشده بشود.
 ب) درباره اینکه در دین اسلام چه مواردی از تغییر در خلقت خداوند،
 مورد اجازه اوست، با نظری به فتاوای فقهای شیعه درباره انواع
 دستکاری‌ها در بدن می‌توان دانست که هر گاه تغییر در خلقت
 خداوند، سبب وارد شدن ضرری جانی به فرد شود و یا
 مستلزم مرتکب شدن فعل حرامی باشد، جایز نیست
 و در غیر این موارد، ایرادی بر آن وارد نیست به
 ویژه در مواردی که ضرورت پزشکی ایجاب

انجام آن جایز نیست و
در غیر این صورت مانعی
ندارد. روشن است که بیشتر عمل
های جراحی زیبایی و یا رژیم‌های
لاغری افراطی، عوارض قابل توجهی به
دنبال دارد و به همین دلیل، اکثر پزشکانی که
خود متخصص جراحی‌های زیبایی
هستند، این‌گونه عمل‌ها را برای خود
نمی‌پسندند.

منابع

۱. طاهری، حبیب‌الله (۱۳۷۸)، پیوند اعضا از دیدگاه اسلام، مجله
مجمع آموزش عالی، ش ۳، ص ۸۵-۱۰۴.
۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، غرر الحکم و درر الکلمه، قم،
دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. آزاد ملکی، تقی و ناصرالدین غراب (۱۳۸۹)، جایگاه بدن در
دین، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۱۸، ص ۱۱-۳۶.
۴. دلپایایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین
حوزه علمیه قم.
۵. باریکلو، علیرضا (۱۳۸۲)، وضعیت تغییر جنسیت، حقوق
خصوصی، ش ۵، ص ۸۶-۶۳.
۶. عظیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۱)، شبیه‌سازی انسان در فقه اسلامی،
فصل‌نامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال اول، ش ۱، ص
۱۱۹-۱۴۰.
۷. گروه فقه (۱۳۷۴)، آناتومی از دیدگاه فقه و پزشکی، نشریه
روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۵، ص ۱۴-۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آسیب‌شناسی افراط در مدیریت بدن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۶۱

پایش

مجله علمی

شماره ۳
مرداد ۱۳۹۲

۲. کاهش میزان بازدهی کار و تحصیل در جامعه، افت آموزشی و تحصیلی

یکی دیگر از پیامدهای منفی بدحجابی در جامعه، کاهش میزان بازدهی کار، تحصیل و فعالیت‌های اجتماعی است؛ زیرا بدحجابی باعث می‌شود خودبه‌خود کنش‌ها و جاذبه‌های کاذب پیش آید و التذاذ جنسی، تمرکز کاری و تحصیلی را از فرد سلب کند.



باید توجه داشت در جامعه‌ای که به صورت جنسیتی و معیارهای بدنی شکل گرفته است، میزان توجه افراد به بدن در میان دو جنس متفاوت است؛ چرا که سطح انتظارات اجتماعی از زن و مرد تفاوت دارد. انتظارات اجتماعی مرتبط با بدن درباره زنان، بیشتر و جدی‌تر است. در نتیجه، زنان به نسبت مردان، تحت فشار بیشتری برای توجه به بدن و ظاهر فیزیکی و همچنین انطباق با ایده‌آل‌های زیبایی هستند. در نتیجه پرداختن بیش از اندازه به مسأله آرایش و پوشش در بین زنان، مقدار زیادی از وقت و انرژی آنها را به عنوان نیمی از نیروی انسانی و مهم جامعه هدر می‌دهد.

اسیب‌شناسی افراط در مدیریت بدن (بدحجابی، آرایش‌کردن، دستکاری‌های بدنی)

چنانچه مدیریت‌های افراطی افراد در بدن خویش، مانند اقدام به آرایش‌های بیش از اندازه، بدحجابی و رعایت‌نکردن شئونات مرسوم در حجاب، تمایل به دستکاری‌های پزشکی در بدن و انجام جراحی‌های مختلف با انگیزه زیباتر شدن را با دقت و تأمل بیشتری بررسی کنیم، متوجه خواهیم شد که این اعمال، پیامدهای متفاوتی را به همراه خواهد داشت که ممکن است درصد بالایی از آنها به شکل آسیب و مشکلات نگران‌کننده ظاهر شود. در ادامه تلاش می‌کنیم به عمده‌ترین پیامدهای منفی و تبعات سوء این موضوع به صورتی خلاصه اشاره کنیم:

۱. تبدیل بدن به یک دارایی مادی

به نظر می‌رسد یکی از تبعات این مسأله، مربوط به نگرش افراد به بدن می‌شود. به تدریج، افراد احساس می‌کنند بدن آنها یکی از دارایی‌های مادی آنهاست. دارایی که افراد سعی می‌کنند با آرایش، پوشش و انواع جراحی‌های زیبایی، زیبایی‌هایی آن را بهبود ببخشند و در تعاملات خود، آن را به بهترین شکل عرضه کنند. برای زنان به دلیل وجود انتظارات و دیدگاه‌های جنسیتی خاص، اهمیت مسأله دو چندان می‌شود؛ بنابراین آنان در مدیریت بدن خویش دقت نظر بیشتری به خرج می‌دهند. راه‌های مختلف مدیریت بدن، ابزاری برای کسب ارزش‌های بدنی می‌شود. ارزش‌هایی که بین اکثر افراد، مشترک است و کسب آن سبب ارتقای دارایی مادی زنان می‌شود. این نگرش به وضوح با دیدگاه‌های اسلامی درباره بدن - که در فصل مربوط به دیدگاه اسلام درباره مدیریت بدن مطرح شد - در تضاد قرار دارد.

۳. جذب زنان در مشاغل مرتبط با زیبایی (استفاده ابزاری از زیبایی زنان)

وقتی در یک جامعه، فرصت‌های اجتماعی زنان مانند اشتغال، متأثر از زیبایی آنها باشد، احساس زیبایی یا کمبود آن یک واقعیت مهم برای پنداشت زنان از خود می‌شود. در نتیجه زنان، بیشتر و بیشتر، به صورت‌های مختلف دنبال کسب زیبایی می‌روند. این مسأله بر کارفرمایان و صاحبان مشاغل نیز اثر می‌گذارد که از زیبایی زنان برای کسب سود بیشتر استفاده کنند. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد بیشتر مشاغل زنان به نوعی با ظاهر آنان در ارتباط است. کارهایی مانند فروشنده‌گی، بازاریابی، منشی‌گری، تالیپست، مهمانداری، پیش‌خدمتی، مانکنی و دیگر کارهایی که مربوط به بخش خدمات دفتری است، به اشکال مختلف به ظاهر فیزیکی زنان توجه دارد.

۴. توقف شخصیت

در مراحل تکاملی بلوغ افراد در سنین مختلف زندگی که روان‌شناسان در افراد، مطالعه کرده‌اند، مرحله‌ای با عنوان دوره تحرک یا دوره نهان‌تناسلی تشخیص داده‌اند. با شروع این مرحله، جدایی دو جنس در حالات روانی و بروز شخصیت آغاز می‌شود. در این مرحله، تفاوت پسران با دختران در نحوه سلوک اجتماعی یا برخورد با اشیای بیرونی و محیط بیرونی خویش آشکار می‌شود. پسران به طور معمول، دارای حالات تهاجمی، ستیزه‌جویی و تمایل به سلطه بر دیگران می‌شوند و بر عکس در دختران، حالت جذب و انقیاد و قدرت جلب توجه آشکار می‌شود. علاقه به پوشیدن لباس‌های زیبا، آرایش کردن، با عشوه سخن گفتن، با ناز قدم برداشتن، بروز حالات مادرانه در این دوره در دختران طبیعی است.

در مرحله بعد که بلوغ و تعیین هویت انسانی است، مردان، صفاتی مانند آرامش و صبر را فرا می‌گیرند و دختران، به جای تمایل برای جذب همه مردان و صرف تمام وقت و نیروی حیاتی در این راه، تنها به یک مرد، توجه و بقیه توانایی‌های جسمی و روحی خود را صرف سازندگی می‌کنند؛ اما عارضه‌ای

که ممکن است در مرحله تحرک اتفاق بیفتد، توقف شخصیت است که بر اساس آن پسران، همیشه تشنه قدرت و تسلط بر دیگران باقی می‌مانند و دختران به موجوداتی کاملاً گیرنده تبدیل می‌شوند.

متأسفانه امروزه در بیشتر جوامع، این پدیده در بین دختران دیده می‌شود. عرضه کردن زنان بی‌پند و بار در رسانه‌ها به صورت وسیع و الگو کردن آنان، از بدترین نمونه‌هایی است که دختران را از رشد شخصیت باز می‌دارد. چنین امری باعث می‌شود زنان در همه دوران زندگی خود، دنبال جلب توجه مردان، افراط در آرایش، استفاده از پوشش‌های تحریک‌آمیز و امثال آن باشند. اینان همیشه از زیبا نبودن، چاقی و پیری هراس دارند و به هر وسیله در پی افزایش زیبایی و جوان ماندن می‌شوند؛ خصوصیتی که باید در مرحله‌ای از زندگی متوقف شود، ادامه پیدا می‌کند و در عوض، رشد شخصیت و سازندگی زنان را متوقف می‌کند.



۵. کاهش امنیت اجتماعی

بدحجابی و تمایل به عرضه بدن به اشکال مختلف با موضوع احساس امنیت، ارتباطی تنگاتنگ دارد. توجه بیش از حد به ظاهر و بدحجابی در جامعه، آرامش روانی شهروندان را دچار اختلال می‌کند و به تهییج تحریک جنسی و افزایش مفاسد اخلاقی و اجتماعی منجر می‌شود.

۶. کاهش ازدواج و بی‌علاقگی به ازدواج

در جامعه‌ای که بی‌بند و باری در پوشش و به تبع آن بی‌بند و باری جنسی وجود دارد، لذت جنسی که یکی از عوامل گرایش به ازدواج است، به راحتی در دسترس افراد قرار می‌گیرد. این امر از گرایش به ازدواج در افراد می‌کاهد. ازدواج در قدیم پس از یک دوران انتظار، آرزو و صبر انجام می‌گرفت و به همین دلیل زوجین، یکدیگر را عامل نیک‌بختی و سعادت خود می‌دانستند؛ ولی امروز به دلیل کامجویی‌های نامشروع در سطحی وسیع، دلیلی بر آن اشتیاق‌ها وجود ندارد.

طبیعتاً با افزایش روابط نامشروع، مردان بخش زیادی از نیاز جنسی خود را از غیر روابط مشروع و قانونی ازدواج تأمین کنند و در نتیجه، میل و رغبتی به ازدواج ندارند؛ زیرا تشکیل خانواده و پذیرش مسئولیت، نوعی محدودیت و گرفتاری برای آنها به وجود می‌آورد. برخی از متفکران معتقدند یکی از فلسفه‌های حجاب، این است که جذابیت زن‌ها برای مردان حفظ شود؛ زیرا در غیر این صورت، مردان هرگز حاضر به ازدواج نخواهند شد.

توجه بیش از حد به ظاهر و بدحجابی در جامعه، آرامش روانی شهروندان را دچار اختلال می‌کند و به تهییج تحریک جنسی و افزایش مفاسد اخلاقی و اجتماعی منجر می‌شود.

۷. افزایش روابط نامشروع و تبعات آن

وقتی با بدحجابی، جاذبه‌های جنسی در اجتماع زیاد شود، دیگر جوانان به چشم‌چرانی اکتفا نمی‌کنند و تا مرحله‌ای پیش می‌روند که از ضوابط و شرع، دست می‌کشند و به روابط نامشروع گرفتار می‌شوند. افزایش بیماری‌های مقاربتی مثل ایدز، فرزندان نامشروع، سقط جنین، محروم شدن فرزندان از محبت پدر و مادر، از بین رفتن احساس خوشبختی در خانواده و طرد و انزوای کودکان نامشروع، از جمله پیامدهای این امر است.

ازدواج در قدیم پس از یک دوران انتظار، آرزو و صبر انجام می‌گرفت و به همین دلیل زوجین، یکدیگر را عامل نیک‌بختی و سعادت خود می‌دانستند؛

۸. افزایش طلاق

یکی از پیامدهای مخرب بدحجابی در جامعه، آسیب‌دیدن کانون خانواده است که به تبع آن، زمینه برای از هم پاشیده شدن خانواده فراهم می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که با افزایش بدحجابی در جامعه، علاوه بر اینکه آمار طلاق زیاد می‌شود، ازدواج‌های بدون شناخت و سطحی نیز افزایش می‌یابد که بیشتر آنها بعد از مدتی به طلاق منجر می‌شود. بارها دیده شده در جوامعی که زن‌ها شئونات پوشش و آرایش را رعایت نمی‌کنند، مردها به آنها بدبین می‌شوند و حتی بعد از تشکیل خانواده، بر اثر آشنایی مردان با زنانی این چنین، نفاق و جدایی میان همسران تولید شده است.

۹. افزایش آمار جنایت و خشونت علیه زنان زمانی که بدحجابی در جامعه افزایش یابد، آمار خشونت و جنایت علیه زنان بالا می‌رود؛ چنان‌که شاهدیم امروزه به همین دلیل، آزارهای جنسی و مساله خشونت علیه زنان روزبه‌روز افزایش می‌یابد. محتمل است که بسیاری از تجاوزها، قتل‌ها، مزاحمت‌های خیابانی و آدم‌ربایی‌ها از پیامدهای منفی گسترش بدحجابی در جامعه باشد.

منابع

۱. شریتیان، محمدحسن (۱۳۹۰)، تأملی بر تبیین جامعه‌شناختی حجاب و ارائه راهکارهای لازم برای آن، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال ۵، پیاپی ۵۵ و ۵۶، ص ۷۹-۹۹.
۲. رجبی، عباس (۱۳۸۹)، نقش حجاب و پوشش زن در سلامت روان، ماهنامه سال سوم تابستان ۱۳۸۹، ش ۴، ص ۳۴-۱۳.
۳. طاهرپور، محمدشریف (۱۳۸۹)، راهکارهای تقویت حجاب و عفاف در جامعه، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال ۵، ش ۳۵ و ۳۶، ص ۱۸-۳۷.
۴. خواجهنوری و همکاران (۱۳۹۰)، سبک زندگی و مدیریت بدن، زن و جامعه، سال ۲، ش ۴، ص ۳۸-۲۱.
۵. موجد، سعید و اسفندیار غفاری‌نسب و مریم حسینی (۱۳۸۹)، آرایش و زندگی اجتماعی دختران جوان، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ش ۲۸، ص ۱۰۵-۷۹.

راه‌کارهای غلبه بر مدیریت بدن، از دیدگاه اسلامی

تاکنون در مجموع مقالات تألیف‌شده درباره حجاب و عفاف و دستکاری‌های بدنی، راه‌کارهای بسیاری برای برون‌رفت از بحران پوشش و آرایش در کشور ایران ذکر شده و در پژوهش‌های مختلفی تکرار شده است. این راه‌کارها را می‌توان به شکل زیر خلاصه کرد:

۱. اصلاح شیوه اجتماعی کردن افراد جامعه بر اساس موازین اسلامی؛
۲. تبدیل سازمان‌های فعال در حوزه پوشش و آرایش به نهادهایی پر نفوذ؛
۳. نهادینه کردن حجاب از کودکی و تربیت جنسی کودکان به‌ویژه در خانواده و مدارس؛
۴. معرفی الگوهای صحیح پوششی و آرایشی؛
۵. تبیین تبعات منفی رعایت نکردن پوشش و آرایش درست؛
۶. تبیین آثار مثبت و پیامدهای تیک حجاب اسلامی و یالا بردن شناخت و آگاهی بانوان درباره فلسفه حجاب؛
۷. تقویت فرهنگ غیرت؛
۸. تشویق به ازدواج و تسهیل آن؛
۹. تعدیل مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی؛
۱۰. باز تعریف زیبایی؛
۱۱. سالم‌سازی محیط‌های آموزشی از طریق استفاده از مربیان درست و تکریم شخصیت مربی و ترمیم و به‌روزرسانی محتوای کتب آموزشی؛
۱۲. پر رنگ کردن نقش رسانه‌های جمعی در ترویج حجاب اسلامی؛
۱۳. پرهیز از تفسیرها و توصیه‌های تنگ‌اندیشانه درباره حجاب و جلوگیری از سخت‌گیری‌های بی‌مورد؛
۱۴. تصحیح نگرش‌ها درباره مقوله زن و مقابله با موج فمینیسم؛
۱۵. تقویت نهادهای نظارتی و تنبیهی حوزه پوشش و آرایش.

این راه‌کارها که با دو رویکرد جامعه‌شناسانه و دینی در مقالات و کتب متعددی مورد بحث قرار گرفته‌اند، به جای خود بسیار محترم و راه‌گشایند. با این حال در مقاله حاضر، تلاش شده تا با ارائه نکاتی تازه، درباره کیفیت بسترسازی برای رسیدن به پوششی اسلامی، شرط امکان تحقق چنین خواسته‌ای بررسی شود.

۱. ایهام‌زدایی از صورت مسأله؛ پیشنهادی برای مدیران فرهنگی و نظریه‌پردازان حوزه فقاقت

امروزه مسأله پوشش و آرایش، متولی مشخصی ندارد و برداشت‌های متنوع از آیات و احادیث نیز بر تشتت دیدگاه‌های موجود می‌افزاید؛ درحالی‌که در سنت حوزوی جهان اسلام، حتی صرف نقل حدیث بر روی منابر نیز مشروط به داشتن دست‌خط و اجازه از اساتید بزرگ بود. امروزه تمامی افرادی که به نحوی متناسب به دین هستند (نظیر نوحه‌خوانان مراسم آیتی و مذهبی، مجریان برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی و...) بدون داشتن تحصیلات کافی حوزوی و برخوردار از صلاحیت اظهار نظر در این مورد، به نقل احادیث و روایات و حتی گاه تفسیر آیات می‌پردازند. در یک بازه زمانی، ارگان‌های پژوهشی، آموزشی و فرهنگی عهده‌دار سامان‌بخشیدن به این حوزه می‌شوند و در نوبتی دیگر مصادیق تبرج از زبان سرداران نیروی انتظامی به اطلاع عموم می‌رسد. همچنین در رسانه تلویزیون نیز در همان زمان که بعضی از برنامه‌های مذهبی بر لزوم پرهیز از آرایش یک زن در حوزه‌های عمومی تأکید می‌کنند، تقریباً اکثر قریب به اتفاق مجریان، گویندگان و بازیگران برنامه‌های مختلف شبکه‌های دیگر، بیش و کم از انواع مختلف روش‌های آرایشی بهره می‌برند. مضاف بر این، قرائت‌های متفاوت از دین، در بدنه و حتی هسته نهادهای دینی و حوزوی، طیفی از سلائق سنتی تا بازاندیشانه را شامل می‌شود که بیش از هر چیز در کنار واردات فرهنگی متعدد غرب، حدود اسلامی آرایش را در دنیای امروز گنگ و مبهم می‌سازد. روشن است که سردرگمی نهادهای دینی در مسأله آرایش به طور مستقیم بر اعتماد

مخاطبان آنها تأثیر می‌گذارد و منجر به آن می‌شود که هر کس، مطابق سلیقه خود، دینی شخصی برای خود تعریف کرده و حد و مرزی فردی را به رسمیت بشناسد. بنابراین ابهام‌زدایی از مسأله آرایش و رسیدن به انسجامی منطقی را باید شرط امکان عملی‌شدن هر نوع راه‌کاری در این عرصه دانست که بدون آن برداشتن گام‌های بعدی ناممکن خواهد شد.

در دیدگاه اسلامی، تنها با فرض علم به زمانه و ساختار و مؤلفه‌های بنیادین آن است که امکان دوری از انحراف در افکار و اعمال فراهم می‌شود.

۲. شناخت زمانه و درک درست یارادایم‌های فکری مسلط بر آن؛ پیشنهادی برای مدیران فرهنگی و نظریه‌پردازان حوزه فقاقت

چنان‌که می‌دانیم درک اقتضائات زمانه و قالب‌های فکری مسلط بر آن از مهم‌ترین مقومات استنباط فقهی در نظام اعتقادی شیعه است که اساساً تعبیه سنت اجتهاد در هر زمانه‌ای را مشروعیت می‌بخشد. اصل اجتهاد در نظام اعتقادی شیعیان، مستند به این استدلال است که در هر زمانه‌ای، تغییرات در نظام‌های فکری، مناسبات اجتماعی، سیستم‌های مبادلاتی و اقتصادی، ابزارهای فناورانه جدید و... سبک زندگی خاصی را با خود به همراه می‌آورد که لازم است مشروعیت فقهی و رد و قبول اسلامی آن به دست کارشناسان و مجتهدان دینی همان عصر، سنجیده و تعیین شود.

از همین رو است که هر عصری، مجتهد خاص خود را می‌طلبد که به تمام شئون زمانه خود آگاهی داشته باشد. در روایات بسیاری از معصومین (ع) آگاهی به زمانه یا آگاهی به اهل زمانه از مهم‌ترین شرایط فعالان حوزه فقاقت است که تنها در صورت وجود آن می‌توان جایگاه و وظیفه فرد مسلمان را در هر زمانه‌ای معین کرد و به شأن خود روی آورد:

امام صادق (ع): «صاحب الفقه و العقل... یعمل مقیلاً علی‌شانه، عارفاً باهل زمانه.»

حضرت صادق (ع): «علی العاقل ان یکون عارفاً بزمانه مقیلاً علی‌شانه.»

پیامبر اکرم (ص): «علی العاقل ان یکون بصیراً بزمانه مقیلاً علی‌شانه.»

در دیدگاه اسلامی، تنها با فرض علم به زمانه و ساختار و مؤلفه‌های بنیادین آن است که امکان دوری از انحراف در افکار و اعمال فراهم می‌شود و فرد از غافلگیر شدن در برابر هجوم امور مشتبه مصون می‌ماند. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوایس؛ کسی که زمان خودش را بشناسد و بفهمد و درک کند، امور مشتبه و گنج‌کننده به او هجوم نمی‌آورد.»

معمولاً در زبان فارسی، واژه هجوم به معنای حمله شدید به کار می‌رود؛ اما در عربی هجوم به معنای حمله غافلگیرانه است که به طور ناگهانی، فرد را در غفلتی که در آن به سر می‌برد، غافلگیر می‌کند. این بیان امام معصوم، توصیف جوامعی است که بعد از هجوم مشکلات در پی چاره‌جویی بر می‌آیند. برای پرهیز از همین آسیب است که در روایات اسلامی بر عنصر زمانه‌شناسی (آن هم نه به معنای سطحی اطلاع از اخبار و اوضاع) تأکید شده و خط مشی برنامه‌ریزی فرد را شناخت او از زمانه تعیین می‌کند.

نیازرسانی از جمله آرایش و رسیدن به انسجام فکری را باید شرط امکان عملی‌شدن هر نوع راه‌کاری برای عرصه‌دانش که خود آن برهنگی گام‌های بعدی ناممکن خواهد شد.

روشن است که کنار هم قرار گرفتن قید «مقبلاً علی‌شانه» و «عارفاً بزمانه» از این رو است که تنها در صورت شناخت زمانه و اهل آن می‌توان متناسب با جایگاه و شأن خود رفتار کرد و برای اهل زمانه از نظر فقهی و اسلامی تعیین تکلیف کرد. منظور از این شناخت، صرف پی‌گیری اخبار سیاسی و اجتماعی و اقتصادی روز و یا پی‌گیری اخبار حوزه فناوری نیست.



شناخت زمانه به معنای عمیق آن، شناخت پارادایم‌های فکری مسلط بر زمانه و انسان وابسته به آن است و این امر نیازمند مطالعه سیر تاریخی تکون انسان به شکل امروزی است. اینکه انسان چه حوادث تاریخی تأثیرگذاری را پشت سر گذاشته، چه تغییراتی در نظام‌های فکری و اعتقادی و فلسفی وی صورت گرفته، تفاوت ساختارهای فکری و سلیق عملی انسان امروزی با انسان سنتی در چیست، معنای مفاهیمی نظیر زمان، مکان، کیهان، هنر، معیارهای اخلاقی، امر قدسی و غیبی و بسیاری امور دیگر دستخوش چه تغییراتی شده، قالب‌های فکری مسلط بر زمانه فعلی چیست، مکانیسم عملکرد آنها از چه طریقی است، چه ساختار اجتماعی غالبی بر زمانه حکم فرماست، مؤلفه های دوران مدرن کدام است، فرهنگ پست‌مدرن چیست و بسیاری سؤالات دیگر.

تا آنجا که به مسأله آرایش مربوط می‌شود باید گفت که شناخت زمانه در حقیقت، مقدمه و یا مکمل ابهام‌زدایی از صورت مسأله است. اینکه فقه اسلامی تا چه حد در این مسأله، اجازه همراهی با عرف را داشته و تا کجا می‌تواند با اقتضانات دنیای روز هماهنگ شود، مهم‌ترین ابهامی است که زنان در مواجهه با دیدگاه‌های اسلامی درباره آرایش دارند. در حال حاضر بسیاری از مفاهیم مربوط به حدود آرایش و پوشش، مانند استثنای «الا ما ظهیر منهن» در آیه ۳۱ سوره نور و یا مصادیق تبرج در آیه ۳۳ سوره احزاب با توجه به تغییر مناسبات اجتماعی در جوامع امروزی و باز تعریف مفاهیمی نظیر عفاف، حیا، غیرت و... تحدید و تحلیل نشده‌اند.

واضح است که منظور از این نکته، همراهی با اقتضانات زمانه نیست؛ چرا که اقتضانات زمانه ممکن است برخاسته از دلایلی متضاد با ارزش‌های اخلاقی و دینی باشند. آنچه مد نظر است بازیابی زبانی امروزی است که اساساً تنها در پرتو آن امکان ارتباط میان سنت و تجدد فراهم می‌شود. بدون وجود چنین بستر مشترکی، هر یک از سنت و تجدد با زبانی خاص به دنیای خود سخن خواهد گفت و فرض ایجاد هر گونه تفاهمی میان آن دو منتفی خواهد بود.

اگر در احادیث شیعی، نظیر «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» بر لزوم شناخت امام زمان در هر عصر تأکید شده است؛ بدان معنا است که قبل از شناخت امام زمان باید زمان و زمانه را شناخت؛ چرا که مضاف از مضاف الیه کسب تعریف می‌کند و تنها در صورت شناخت زمانه است که فرد می‌تواند امام آن زمانه را تشخیص بدهد و بداند کدام فرد، راه‌گشای امروز اوست. نشناختن امام زمان هر عصر نیز به منزله مرگ در دنیای جاهلیت قلمداد شده که در اینجا نمادی از دور افتادگی فرد از زمانه خویش و بیگانگی او با دنیای اکنون خود است.

شناختن امام زمان هر عصر نیز به منزله مرگ در دنیای جاهلیت قلمداد شده که در اینجا نمادی از دور افتادگی فرد از زمانه خویش و بیگانگی او با دنیای اکنون خود است.

بایش سخن‌رانی و مسائل جامع علوم

۳. روی آوردن به سیاست‌های تعریضی و دوری از زیان تصریحی؛ پیشنهادی برای برنامه‌سازان و مؤلفان فعال در حوزه پوشش و آرایش

اتخاذ سیاست‌های تعریضی در برخورد با عامه مردم، نمونه‌ای است از آنچه در راه‌کار دوم تحت عنوان زمانه‌شناسی مطرح شد. آیات قرآن و روایات موجود در سنت اسلامی، یکی از منابع سرشار شناخت زمانه محسوب می‌شوند که سرخ‌های بسیاری در این باب را می‌توان از رهگذر تحلیل آنها جویا شد. در یکی از احادیث درخشان موجود در کتاب احتجاج طبرسی آمده است که زندیقی در حضور امام علی(ع) مواردی از تناقض در قرآن و آموزه‌های اسلامی را، دلیل اسلام نیلوردن خود مطرح کرد. حضرت علی(ع) پس از گوش سپردن به گفته‌های وی، تناقض ظاهری در این آیات را مرتفع می‌سازد و در ضمن آن، پیش‌بینی‌های عمیقی از شرایط فرهنگی آخر الزمان ارائه می‌دهد. در یکی از بخش‌های این روایت مفصل، امام(ع) در تفسیر رحمة للعالمین بودن پیامبر(ص) و دین اسلام یکی از دلایل ملقب شدن پیامبر به این لقب را رویکرد تعریضی وی در ارشاد خلق و پرهیز از تصریح می‌داند. منظور امام(ع) از تصریح، آن است که پیامبر اسلام(ص) بر خلاف پیامبران پیش از خود، از تصریح در بسیاری از امور پرهیز کرده و آنها را به صورت کنایه مطرح ساخته است.

دلیل این امر از نظر امام(ع) آن است که تصریح کردن به امری حق، بدان معناست که در صورت نپذیرفتن مخاطب، عذاب الهی در انتظار وی خواهد بود؛ درحالی‌که در رویکرد تعریضی، حتی در صورت سرپیچی فرد از پذیرش حق، عذاب الهی دامنگیر وی نخواهد شد و به همین دلیل، نبوت پیامبر، اوج مهربانی با عالم است؛ به عبارت دیگر تصریح در دل خود، متضمن تهدید و عقاب نیز هست و سرپیچی از دستور مستقیم به انجام یک عمل، تنبیه و مجازات را در پی دارد؛ درحالی‌که تعریض به معنای متمایل ساختن مخاطب به امری حق است؛

بدون آنکه در این امر، تهدیدی مضمهر باشد. امام(ع) در این باره می‌فرماید:

پیامبرانی که قبل از پیامبر اسلام(ص) به سوی بشر ارسال شده‌اند یا رویکردی تصریحی مبعوث شده‌اند نه تعریضی. به این شکل که وقتی پیامبری امر الهی را به گوش مردم می‌رساند و آنها تسلیم امر وی می‌شدند، ایمن می‌مانند و هر گاه با وی مخالفت می‌کردند، به وسیله یکی از عذاب‌های الهی مانند باد، زلزله، صاعقه، سیل و... هلاک می‌شدند؛ اما خداوند، پیامبر اسلام(ص) را با رویکردی تعریضی مبعوث کرد.

از نظر امام علی(ع) با بعثت پیامبر اسلام(ص) زمانه تعریض فرا رسیده است و دیگر تربیت تصریحی که تنبیه در صورت سرپیچی را نیز در پی دارد در این زمانه، کاربرد چندانی ندارد. تجربه زیسته امروزین ما نیز شاهدی بر تأیید فرمایش بلند امیرالمؤمنین(ع) است؛ برای مثال امروزه دستور و فرمان دادن مستقیم به فرزندان و تهدید آنها برای انجام کاری درست، معمولاً نتیجه عکس به همراه دارد؛ درحالی‌که اتخاذ رویکردی محبت‌ورزانه، توأم با عطفوت، نرمی و ظرافت و به دور از تهدید و ارباب غالباً اثرگذاری بیشتری خواهد داشت.

پیامبرانی که قبل از پیامبر اسلام(ص) به سوی بشر ارسال شده‌اند یا رویکردی تصریحی مبعوث شده‌اند نه تعریضی. به این شکل که وقتی پیامبری امر الهی را به گوش مردم می‌رساند و آنها تسلیم امر وی می‌شدند، ایمن می‌مانند.

از این رو عمده متخصصان علوم تربیتی بر راه‌کارهای تشویقی، محبت‌ورزانه و توأم با در نظر گرفتن ظرافت‌های گفتاری و رفتاری تأکید می‌ورزند؛ به گونه‌ای که امروزه شاهد شکل‌گیری روش‌های جدیدی در نظام آموزش و پرورش مانند کارنامه توصیفی و... هستیم که در آنها حتی از تصریح کردن به غلط‌های موجود در فعالیت‌های درسی دانش‌آموزان پرهیز می‌شود.

راه‌گشا بودن رویکرد تعریضی در زمانه حاضر که نمونه‌های از زمانه‌شناسی امام علی(ع) است، در برنامه‌ریزی‌های مربوط به حوزه مدیریت بدن و آرایش و پوشش ضروری است. متأسفانه آنچه امروزه در سیاست‌های فرهنگی ما در حوزه آرایش و پوشش صورت می‌گیرد، صرفاً شکلی تصریحی و مستقیم و دور از هرگونه ظرافت‌های گفتاری و رفتاری دارد؛ برای مثال در بسیاری از سریال‌ها و فیلم‌های تولیدی، از ابتدا مرز میان سیاه و سفید و خوب و بد و خیر و شر از هم، به‌روشنی جدا شده است. شخصیت زن مثبت داستان که به طرز واضحی، سیمای الگویی متعالی را دارد، به کلیشه‌هایی در نام و نام خانوادگی، پوشش و حجاب، رفتار توأم با حجب و حیا و عملکرد پیامبرانه مبتلاست که از ابتدا ذائقه مخاطب تعریض‌پسند این روزگار، آن را پس می‌زند.

فاطمه آنچه امروزه در سیاست‌های فرهنگی ما در حوزه آرایش و پوشش صورت گرفته صرفاً شکلی تصریحی و مستقیم و دور از هرگونه ظرافت‌های گفتاری و رفتاری دارد.

در سوی مقابل، شخصیت منفی داستان نیز به کلیشه‌هایی ابلیس‌وار گرفتار است و گویی کارکرد دیگری ندارد؛ جز آنکه در تقابل با شخصیت خوب قصه، هر چه بیشتر ابعاد فرشته‌وار گفتار و رفتار وی را عیان سازد. این آفت تصریحی معمولاً در تولیدات تالیفی ما در حوزه آرایش و پوشش نیز موجود است. سیر اغلب کتب موجود در این باب، چنان است که از مفهوم‌شناسی ملال‌آور آغاز می‌شود، با استدلال‌ات منطقی خشک ادامه می‌یابد و به نتیجه‌گیری دقیق ختم می‌شود. اگرچه وجود چنین پژوهش‌هایی با دقت دانشگاهی برای مخاطبان خاص و پژوهشگران این حوزه ضروری است؛ اما سخن، آن است که در برخورد با قشر عام و افرادی که در معرض ابتلا به آسیب‌های پوششی و آرایشی قرار دارند، چنین آثاری نخوانده، به کناری گذاشته می‌شوند.

۴. اتخاذ سیاست‌های فرهنگی علیه استخفاف؛ راه‌کاری برای مدیران فرهنگی

در اندیشه قرآنی، یکی از راه‌های سلطه فرهنگی و سیاسی طاغوت بر مردم استخفاف است. قرآن کریم قوم مصر را که یکی از فرهیخته‌ترین اقوام در طول تاریخ بوده و از دانش‌های بسیاری نظیر ریاضیات، نجوم، معماری و... برخوردار بودند، یکی از قربانیان سیاست استخفاف یاد می‌کند؛ زیرا با همه عظمتشان به دلیل استفاده هوشمندانه فرعون از سیاست استخفاف، مطیع وی شدند؛ «فاستخف قومه فاطاعوه»؛ «(فرعون) قوم خویش را استخفاف کرد، پس آنها از او اطاعت کردند».

فرعون به‌خوبی بر این نکته واقف بود که راه مطیع کردن ملتی همچون مصر و واداشتن آنها به اطاعت و پرستش خود، چیزی جز استخفاف آنها نیست. استخفاف از ریشه خفت و سبکی است و با کلماتی نظیر خفیف و تخفیف و مخفف هم‌خانواده است. استخفاف به معنای تلاش برای سبک کردن دیگران است. در توضیح مراد قرآن از این کلمه گفته شده، استخفاف، حرکتی ضد ثقل و سنگینی است. وقتی با صخره‌ای سنگین مواجه می‌شویم برای جابه‌جا کردن آن، تنها راه موجود، استخفاف و سبک‌سازی آن است. این کار معمولاً از طریق شکستن مرکز ثقل صخره و تبدیل آن به قطعات مجزا و جدا از هم است تا بدین وسیله، حجمی به سنگینی کوه به تکه‌های سبک و قابل حمل تبدیل شود.

در اندیشه قرآنی، یکی از راه‌های سلطه فرهنگی و سیاسی طاغوت بر مردم استخفاف است.

قوم فرعون و البته هر قوم دیگری مادام که مجموعه‌ای از انسان‌هایند، هرگز تسلیم انسان یا قومی همانند خود نمی‌شوند و خواسته‌های او را گردن نمی‌نهند.

تاریخچه پوشش زنان در ایران



باید با افراد این قوم کاری کرد که دیگر انسان‌هایی بسامان و بهنجار نباشند تا سرانجام مطیع امیال کسی چون فرعون شوند. سیاست استخفاف و سبک‌سازی، آموزه راه‌کاری پرکاربرد و البته بی‌نام و نشان است که به شکل گسترده‌ای از سوی غرب و در مواجهه با کشورهای جهان سوم به کار می‌رود. درباره ایران می‌توان گفت که دو مرکز ثقل فرهنگی عظیم ایرانیان، یعنی ایرانی‌بودن و مسلمان‌بودن، در صد سال گذشته و از رهگذر آشنایی ایرانیان با فرهنگ اروپایی و امریکایی، هدف استخفاف و سبک‌سازی قرار گرفته‌اند.

تأثیرپذیری امروز بسیاری از ایرانیان از انواع پوشش‌ها و آرایش‌ها و الگوهای زیبایی، نتیجه مستقیم بیگانگی آنها از فرهنگ ایرانی و اسلامی است و تنها در پرتو بازبایی دوباره این مراکز ثقل، قابل رفع است؛ به عبارت دیگر اولاً: در کنار احیای ارزش‌های اسلامی و آموزه‌های دینی باید در صدد احیای فرهنگ ایرانی نیز بود؛ به‌ویژه که درباره حجاب و عفاف، فرهنگ ایرانی باستان نیز به شهادت مورخان ایرانی و خارجی در همه ادوار، توأم با پوشیدگی، حیا و غیرت بوده و از این رهگذر در راستای تعالیم اسلامی قرار دارد. و ثانیاً: نباید مسأله حجاب و عفاف را جزیره جدا افتاده‌ای از سایر بخش‌های دیگر فرهنگ اسلامی دید؛ چرا که این نگاه در ادامه سیاست استخفافی قرار دارد که تلاش می‌کند با شکستن مرکز ثقل دین، آن را به مجمع‌نانی و مطالعات فکری رتال جامع علوم انسانی تبدیل کند و بی‌ربط از هم تبدیل کند و بدین وسیله سبک و قابل تغییر سازد.

بنابراین بازبایی دوباره حجاب اسلامی، تنها در پرتو بازبایی دوباره فرهنگ اسلامی در تمامیت آن است که بخش‌هایی نظیر هنر ایرانی و اسلامی، فلسفه ایرانی و اسلامی، عرفان ایرانی و اسلامی و... را شامل می‌شود و حمایت ویژه مسئولان از هنرمندان، فیلسوفان و اندیشمندان ایرانی را می‌طلبد.

منابع

۱. کلیس (۱۳۶۶)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲. دلمی، حسن (۱۴۱۲ ق)، ارشاد القلوب، انتشارات شریف رهی.
۳. عاملی، حر (۱۴۰۹ ق)، مسائل النعمه، قم: انتشارات ال بیت.
۴. ملیرسی (۱۴۰۳ ق)، الاحتجاج، مشهد: نشر مرتضی.
۵. طریحی (۱۳۷۵)، مجمع البحرين، تهران: نشر مرتضوی.
۶. حکمت، نصرالله (۱۳۸۱)، مسأله چیست، تهران: نشر الهام.